قانون
عصر
روزنامه اجتماعی، اقتصادی
دوشنبه
۲۵ آبان ۱۴۰۵ • ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • 16 November 2026
۸ صفحه • پنج‌هزارتومان • سال پنجم • شماره نهصد و سی و نه
www.asrghanoonir

موش‌های فاضلاب کاخ سفید



کنایه سفارت ایران در پورتوریا به مقامات آمریکا: رئیس‌تان در کانتینر حمل مواد غذایی فرار کرد و شما هم رفته‌اید داخل فاضلاب‌های یک پایگاه نظامی

تـــرمیم دستمـــزدهـــا
گـــامی مؤثر بـــرای حمایت از تولیـــد و مصـــرف داخلی
۵

شهید تهرانی‌مقدم در راه افزایش برد موشک‌ها به شهادت رسید
۲

هرات و خوزستان در مسیر توسعه همکاری‌های اقتصادی
۴



اصلاح ساختار وزارت اطلاعات با همکاری دولت و مجلس

ویژه



محمدباقر قالیباف
رئیس مجلس شورای اسلامی

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی مجازی روز یکشنبه ۲۴ آبان مجلس، پس از موافقت نمایندگان با درخواست یک‌فوریت طرح اصلاح قانون تأسیس وزارت اطلاعات، از تلاش‌ها و خدمات نیروهای این وزارتخانه قدردانی کرد و گفت: از طرف خودم و همه نمایندگان مجلس، به عزیزان، رزمندگان و سربازان گمنام امام زمان (عج) در وزارت اطلاعات خداقوت و خسته‌نباشید می‌گویم. این عزیزان در دو جنگ گذشته انصافاً عملکرد درخشانی داشتند.

وی با اشاره به نقش مستمر نیروهای وزارت اطلاعات در تأمین امنیت داخلی کشور افزود: باید توجه داشت که فعالیت این نیروها تنها به دوران جنگ محدود نمی‌شود و در فاصله میان دو جنگ نیز همواره در حال تلاش و انجام مأموریت هستند؛ چراکه بخش مهمی از مسئولیت تأمین امنیت داخلی کشور بر عهده این مجموعه است و کارکنان آن در این مسیر متحمل زحمات فراوانی می‌شوند.

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به تبدیل درخواست بررسی دوفوریتی این طرح به یک‌فوریتی اظهار کرد: با این تصمیم، فرصت مناسبی فراهم شده است تا مسئولان وزارت اطلاعات و نمایندگان بدنه این وزارتخانه بتوانند دیدگاه‌ها و نظرات خود را در جریان بررسی کارشناسی طرح در کمیسیون مربوطه مطرح کنند.

قالیباف ادامه داد: بنده، اعضای کمیسیون و هیئت‌رئیسه مجلس آمادگی داریم نظرات و پیشنهادهای مسئولان و کارکنان این وزارتخانه را به‌صورت دقیق بشنویم تا اصلاحات ساختاری مورد نظر با دقت و توجه کافی دنبال شود.

وی با بیان اینکه هدف اصلی از این اصلاحات، افزایش پویایی وزارت اطلاعات است، تصریح کرد: تلاش خواهیم کرد در کنار ارتقای پویایی این وزارتخانه، تدابیر مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا را نیز در شرایط حساس کشور به پیش ببریم.

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین با اشاره به هماهنگی‌های صورت‌گرفته میان دولت و مجلس برای ارائه این طرح گفت: پیش از ارائه طرح، هماهنگی‌هایی با دولت محترم انجام شده و گفت‌وگوهای مفصلی نیز با رئیس‌جمهور در این زمینه داشته‌ایم. علاوه بر این، جلسه‌ای مفصل با معاونت پارلمانی دولت برگزار شده است.

قالیباف ابراز امیدواری کرد با تعامل و همکاری دولت و مجلس، زمینه برای بهبود شرایط و ترسیم آینده‌ای بهتر برای کارکنان و مجموعه وزارت اطلاعات فراهم شود.

وی در ادامه با اشاره به اینکه وزارت اطلاعات بیش از هشت ماه است که وزیر ندارد، بر ضرورت تعیین هرچه سریع‌تر وزیر این وزارتخانه تأکید کرد و گفت: فرصت زمانی ما کوتاه است و همان‌طور که رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز اشاره کردند، لازم است وزارت اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن وزیر داشته باشد.

رئیس مجلس شورای اسلامی در پایان از تلاش‌های کریمی، سرپرست وزارت اطلاعات، در مدت تصدی این مسئولیت قدردانی کرد و گفت: لازم می‌دانم از برادر عزیزم آقای کریمی که طی هشت ماه گذشته مسئولیت سرپرستی این وزارتخانه را بر عهده داشته و با شجاعت و تلاش امور را پیگیری کرده‌اند، تشکر کنم. قالیباف ابراز امیدواری کرد روند تعیین وزیر اطلاعات با سرعت طی شود و مجلس و دولت بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با رعایت بیشترین دقت، وزیر جدید این وزارتخانه را انتخاب کنند.



افزایش برد موشک‌ها

سرلشکر پاسدار سیدیحیی صفوی، مشاور عالی نظامی فرمانده کل قوا، در دیدار با اعضای دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید و جمعی از اهالی رسانه در منزل شهید سرلشکر حسن تهرانی‌مقدم، با اشاره به سالگرد شهادت این فرمانده و دانشمند برجسته دفاعی، به تشریح ابعاد شخصیتی و نقش وی در بنیان‌گذاری صنعت موشکی جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

وی ادامه داد: شهید تهرانی‌مقدم نیز با درک اهمیت این موضوع، توسعه توان موشکی را با جدیت دنبال می‌کرد و معتقد بود قدرت موشکی باید به‌عنوان بازوی قدرتمند ملت ایران و نظام در برابر تهدیدات دشمنان تقویت شود.

وی با اشاره به تلاش‌های این شهید برای افزایش برد موشک‌ها تأکید کرد: شهید تهرانی‌مقدم یک دانشمند آینده‌نگر بود که به وضعیت موجود بسنده نمی‌کرد و با تفکر راهبردی، افق‌های بلندتری را برای توسعه توان موشکی کشور در نظر داشت.

سرلشکر صفوی در پایان با قدردانی از خانواده شهید تهرانی‌مقدم گفت: خانواده‌های فرماندهان و رزمندگان در مجاهدت‌های آنان سهم بزرگی دارند و بدون همراهی و پشتیبانی همسران و فرزندان، استمرار این مسیر دشوار ممکن نبود. از همسر، دختران و پسر این شهید بزرگوار که در مسیر مجاهدت‌های او همراه و پشتیبانش بودند، قدردانی می‌کنم.

وی همچنین در پایان سخنان خود سلام رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، را به خانواده شهید تهرانی‌مقدم ابلاغ کرد.

نامه شهید طهرانی‌مقدم به رهبر شهید انقلاب

در ادامه «مهدی فضائلی» عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب، هم در این دیدار اظهار داشت: شهید تهرانی مقدم نامه بسیار جالبی، احتمالاً در سال ۱۳۸۴، به رهبر شهید انقلاب نوشت که تعابیر فوق‌العاده‌ای در آن به کار برده بود.

وی افزود: ولایت‌مداری این شهید بزرگوار را نیز باید در چارچوب ایمان عمیق ایشان تفسیر کرد. شهید تهرانی مقدم در این نامه نوشته بود: «ما در زمان امیرالمؤمنین (ع) نبودیم و این حسرت برای ما باقی مانده که نتوانستیم در رکاب ایشان کاری انجام دهیم؛ می‌خواهیم این حسرت را در رکاب شما جبران کنیم.»

فضائلی اضافه کرد: شهید تهرانی مقدم در ادامه خطاب به رهبر شهید انقلاب تأکید کرده بود که «می‌خواهیم دست شما را پر کنیم و شما را دلگرم کنیم.»

تعبیر «دانشمند» از روی شناخت دقیق بود

عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب عنوان کرد: ما هیچ‌گاه ندیدیم که رهبر شهید انقلاب در سخنان خود اغراق کنند. حتی در پیام‌های تسلیت برای شخصیت‌های مختلف، واژگانی را به کار می‌بردند که به آن‌ها اعتقاد داشتند.

وی ادامه داد: ایشان تأکید می‌کردند که تعابیر و واژگان را بر اساس باور واقعی خود به کار می‌برند و در بیان ویژگی‌های افراد هیچ‌گونه اغراقی نداشتند. وقتی رهبر شهید انقلاب با شناختی که از شهید تهرانی‌مقدم داشتند، ایشان را «دانشمند» نامیدند، این تعبیر کاملاً آگاهانه و دقیق بود.

از ادعا برای دخالت در تعیین رهبری تا شکست در انتخابات



در ابتدای جنگ ۴۰روزه که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ شروع شد، آمریکا و اسرائیل در محاسباتشان می‌پنداشتند طی چند روز و یا نهایتاً دو هفته ایران شکست می‌خورد و تسلیم می‌شود و تصور اشتباه آن‌ها به این دلیل بود که در آغاز جنگ، قائد شهید امت را ترور کردند و همزمان فرماندهان عالی‌رتبهٔ نظامی را نیز به شهادت رساندند تا سیستم فرماندهیِ نظام اسلامی نتواند به این جنگ واکنش نشان دهد.

آن‌ها در جنگ ۱۲روزه که از ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ شروع شد نیز فکر کردند با ترور فرماندهان می‌توانند جلوی نواخت موشکیِ ایران را بگیرند اما محاسباتشان غلط از آب در آمد. آن‌ها فکر کردند با ترور رهبریِ انقلاب اسلامی و همزمان فرماندهان عالی‌رتبه، سیستم نظامی کشور قفل می‌شود اما دیدیم که این‌گونه نشد.

کم‌تر از دو ساعت از آغاز جنگ، اراضی اشغالی و همچنین تمامی پایگاه‌های آمریکا در منطقهٔ غرب آسیا زیر ضرب سنگین موشکی و پهپادی قرار گرفت، این اولین شوک برای آمریکا و رژیم صهیونی بود؛ فکر این را نمی‌کردند که ایران بتواند در هر شرایطی، عملیات نظامی خود را کلید بزند و با دست پُر موشک‌ها و پهپادها را به هدف بنشاند.

ابتدای جنگ ۴۰روزه بود که ترامپ حرف از تغییر رژیم در ایران را مطرح کرد؛ بعد از شهادت امام مجاهد امت، دشمن تمام سعی خود را کرد تا رهبری برای کشور انتخاب نشود تا شاید بتواند از این طریق، ایران را به شکست بکشاند.

پرده اوّل؛ تقلا و ادعا برای دخالت در تعیین رهبری

به‌یاد داریم که رئیس تروریستِ دولت آمریکا یعنی ترامپ، در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۴۰۴ در روز پنجم جنگ صراحتاً اعلام کرد؛ "شخصاً باید در انتخاب رهبر ایران دخالت داشته باشم."، جالب توجه است که او خود را در جایگاهی فرض می‌کرد که مشابه کاری را که با ونزوئلا کرد، می‌تواند با ایران نیز کند اما بار دیگر در محاسبات، اشتباه کرده بود. او تصور می‌کرد نظام اسلامی به‌قدری ضعیف شده است که می‌تواند در مهم‌ترین امر نظام یعنی برگزیدن رهبری دخالت کند! اما دیدیم که این‌گونه نشد.

بعد از شهادت رهبر انقلاب، طبق قانون اساسی شورای موقت رهبری (متشکل از رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و یک نفر از فقهای شورای نگهبان) کار را به‌دست گرفت تا امور کشور معطل نماند و تا زمانی که رهبر جدید برای انقلاب برگزیده شد، این شورا کار خود را تا تاریخ ۱۷ اسفند ۱۴۰۴ ادامه داد و لحظه‌ای کار کشور دچار تعطیلی و یا حتی درنگ نشد.

نخستین دقایق روز ۱۸ اسفند ۱۴۰۴ و شب قدر بود که خبری مهم، دلِ محزون از غم شهادت امَام امت را تسلی داد؛ خبر این بود: «مجلس خبرگانِ رهبری، با اکثریت قاطع آرا، آیت‌الله حاج سیدمجتبی خامنه‌ای را به‌عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد.»

کشور قریب به ۱۰ روز با شورای موقت رهبری اداره شد و مردم با حضور سراسری خود در خیابان و اجتماعات، حمایت خود را از نظام اسلامی و نیروهای مسلح اعلام کردند، این‌جا بود که آخرین میخ به تابوت محاسبات آمریکا و رژیم

صهیونی خورد و دشمن با این حقیقت مواجه شد: «خامنه‌ای جوان شد».

طی هشت‌ماه که به جنگ سنگین نظامی و نابودیِ پایگاه‌های آمریکایی، انسداد تنگه هرمز، کوبیدن اراضی اشغالی و به‌هم‌خوردن فضای منطقه گذشت، کشورمان توانست جنگ را از خیابان‌های تهران که تحت بمباران قرار داشت، به دریاهای جنوبی‌مان منتقل کند و بعد از بسته‌شدنِ تنگهٔ هرمز و مورد هدف قرار گرفتن شناورها و ناوهای آمریکا در خلیج فارس و دریای عمان، تروریست‌های آمریکایی به جنوب دریای عرب فرار کردند تا از موشک‌های ایران در امان بمانند؛ البته به‌فرمولهٔ فرمانده معظم کل قوا، آن‌جا هم برای‌شان امن نیست و از آن‌جا هم عقب خواهند رفت.

آمریکا بی‌ها با اعمال محاصره دریایی، تلاش برای محاصلهٔ هوایی، ادعا درباره محاصلهٔ زمینی و هم‌زمان فشارهای شدید اقتصادی می‌خواستند تنگه هرمز را باز کنند تا بتوانند از باتلاقِ جنگ با ایران خلاص شوند اما به نتیجه نرسیدند.

دشمن سعی کرد با نگه‌داشتن سایه جنگ بر سر کشور، خواسته‌های خود را به ایران تحمیل کند اما چنین هم نشد و انتخابات میان‌دوره‌ای در آمریکا فرا رسید.

از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، شهروندان آمریکایی با گران‌شدن قیمت بنزین مواجه شده و معترض بودند؛ ترامپ شاید فکر نمی‌کرد جنگ با ایران برایش این‌قدر هزینه‌زا و مشکل‌آفرین باشد. او نهایتاً فکر می‌کرد شبیه کاری که با ونزوئلا کرد، یکی‌دوروزه پرونده ایران را جمع کند اما در عمل دیدیم این‌طور نشد.

دموکرات‌ها در دو انتخابات میان‌دوره‌ایِ کنگره و مجلس نمایندگان اکثریت را به‌دست آوردند و شوکی بزرگ برای ترامپ و حزبش رقم خورد.

پرده دوم؛ اعتراف ترامپ به شکست در انتخابات به‌خاطر جنگ با ایران

۱۳ آبان ۱۴۰۵ پس از اعلام نتایج انتخابات در آمریکا، ترامپ جنایتکار در پی شکست سنگین حزبش در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره این کشور اعتراف کرد که جمهوری‌خواهان به‌دلیل جنگ با ایران، در این انتخابات شکست خوردند.

نکته قابل‌توجه این‌جاست؛ کسی که ادعا می‌کرد طی چند روز ایران را شکست می‌دهد و تجزیه می‌کند، خودش در انتخابات شکست خورد؛ آن‌هم به‌علت جنگیدن با ایران و شکست از جمهوری اسلامی ایران. از ابتدای جنگ بسیاری از شهروندان آمریکایی مخالفت خود را با این نبرد اعلام کرده بودند اما کسی سخنان آنان را نشنید و آن‌ها با رأی خود یک همه‌پرسی‌ای برای فهماندن شکست را به ترامپ برگزار کردند.

حالا که هشت‌ماه از آغاز جنگ ۴۰روزه می‌گذرد؛ تحلیلگران معتقدند «نحوهٔ خروج از باتلاق جنگ با ایران» بزرگ‌ترین کابوس ترامپ شده است و نمی‌تواند تصمیمی بگیرد تا کم‌ترین هزینه و بیشترین منافع را در آن داشته باشد.



شکار ریپرها در آسمان خلیج فارس

هم‌زمان با تشدید دوباره درگیری‌ها میان نیروهای مسلح ایران و ارتش تروریستی آمریکا در جنوب کشور، به‌ویژه در محدوده تنگه هرمز و خلیج فارس، موج تازه‌ای از سرنگونی پهپادهای شناسایی و رزمی آمریکایی MQ-9 و MQ-1 به‌دست سامانه‌های پدافندی ایران آغاز شده است؛ پهپادهایی که در سال‌های اخیر یکی از ابزارهای اصلی ارتش آمریکا برای شناسایی، مراقبت و اجرای عملیات در مناطق مختلف بوده‌اند.بر اساس گزارش‌های منتشرشده، تاکنون حدود 56 فروند پهپاد MQ-9 و نزدیک به 15 فروند MQ-1 توسط یگان‌های پدافندی نیروهای مسلح ایران رهگیری و منهدم شده‌اند.تداوم این روند و افزایش شمار پهپادهای ساقط‌شده، اخیراً واکنش کنایه‌آمیز سردار حسین محبی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نیز به‌دنبال داشت. او در پیامی در فضای مجازی، به‌جای عنوان MQ-9 از عبارت MQ-Gone استفاده کرد.

واژه Gone در زبان انگلیسی به‌معنای ازدست‌رفته، ناپدیدشده یا ازمیان‌رفته است؛ بازی زبانی‌ای که با اشاره به تلفات پهپادهای آمریکایی، نام Reaper (دروگر) را به‌نوعی به Gone (ازدست‌رفته) تبدیل می‌کند.با این حال، بررسی آمار و گزارش‌های مربوط به تلفات این پهپاد در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که مسئله فراتر از یک کنایه رسانه‌ای است، ناوگان MQ-9 آمریکا در چندین منطقه عملیاتی با خسارات قابل‌توجهی مواجه شده است و تحولات ماه‌های اخیر نیز بر ابعاد این مسئله افزوده است.

روایت‌های مختلف از ناوگان ریپر، هرکدام به‌نوعی وحشتناک

در 22 مردادماه سال جاری، روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست در گزارشی به‌نقل از سه مقام دفاعی آمریکا اعلام کرد که حدود 25 درصد از ناوگان پهپادهای شناسایی ــ رزمی MQ-9 نیروی هوایی این کشور، معادل نزدیک به 45 فروند، در جریان جنگ با ایران از بین رفته است.البته تلفات MQ-9 محدود به رویارویی با نیروهای مسلح ایران نیست، بررسی اسناد تصویری تأییدشده از سال 2017 تاکنون نشان می‌دهد که این پهپاد در چندین میدان عملیاتی دیگر نیز هدف قرار گرفته است.بر اساس این مستندات، 32 فروند MQ-9 توسط جنبش انصارالله یمن در آسمان این کشور سرنگون شده‌اند، همچنین دو فروند دیگر توسط نیروهای وابسته به گروه واگنر در لیبی هدف قرار گرفته‌اند.

لاشه پهپاد ریپر سرنگون‌شده در یمن

با احتساب این موارد و تلفات گزارش‌شده در جنگ اخیر، مجموع پهپادهای MQ-9 سرنگون‌شده از سال 2017 تاکنون به حدود 92 فروند می‌رسد؛ آماری که تصویری از فشار عملیاتی واردشده بر یکی از مهم‌ترین پلتفرم‌های شناسایی و رزمی آمریکا ارائه می‌دهد.

اهمیت این ارقام زمانی روشن‌تر می‌شود که آن را با اندازه ناوگان عملیاتی آمریکا مقایسه کنیم. منابع آمریکایی در ماه مه سال جاری میلادی، مجموع پهپادهای MQ-9A در اختیار نیروی هوایی و گارد ملی هوایی این کشور را حدود 135 فروند اعلام کرده بودند.

اگر این آمار و ارقام مربوط به تلفات را مبنا قرار دهیم، میزان خسارت واردشده به ناوگان ریپر قابل‌توجه خواهد بود. در همین چارچوب، ورود پهپادهای MQ-1C Gray Eagle به برخی مأموریت‌ها و همچنین تلاش نیروی هوایی آمریکا برای یافتن جایگزینی ارزان‌تر برای خانواده ریپر، از جمله تحولاتی است که کنار تلفات عملیاتی این ناوگان قابل بررسی است.

فشار بر ناوگان شناسایی آمریکا ادامه دارد

اهمیت سرنگونی پهپادهای آمریکایی صرفاً به ارزش مالی هر فروند یا هزینه جایگزینی آن محدود نمی‌شود، مسئله اصلی، نقشی است که این پرنده‌ها در زنجیره اطلاعاتی و عملیاتی ارتش آمریکا ایفا می‌کنند.به‌خلاف تصور عمومی، ماهواره‌های شناسایی و هواگردهای سرنشین‌دار دورایستا به‌تنهایی قادر به تأمین تمام نیازهای اطلاعاتی و نظارتی آمریکا در یک منطقه عملیاتی نیستند. واشنگتن برای پایش مستمر تحرکات، شناسایی اهداف و جمع‌آوری اطلاعات دقیق، همچنان به حضور پلتفرم‌های پروازی در فاصله نزدیک‌تر از مناطق موردنظر نیاز دارد.پهپادهایی مانند MQ-9 دقیقاً بخشی از این خلأ را پوشش می‌دهند. آن‌ها با ماندگاری طولانی در آسمان، امکان رصد مستمر مناطق حساس و انتقال اطلاعات به مراکز فرماندهی را فراهم می‌کنند، با این حال، نزدیک شدن به مناطق تحت‌پوشش پدافند هوایی ایران، خطر هدف قرار گرفتن این پرنده‌ها را نیز افزایش می‌دهد.از این منظر، تداوم سرنگونی پهپادهای آمریکایی می‌تواند بر یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های عملیاتی ارتش آمریکا، یعنی ISR، تأثیر بگذارد، این مفهوم که مخفف Intelligence, Surveillance and Reconnaissance است، مجموعه‌ای از توانمندی‌های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی را در بر می‌گیرد.اختلال در این زنجیره می‌تواند به ایجاد خلأهای اطلاعاتی در میدان نبرد منجر شود؛ خلأهایی که بر شناسایی اهداف، رصد تحرکات و تصمیم‌گیری عملیاتی تأثیر می‌گذارند، در واقع، بخشی از الگوی جنگی ارتش‌های غربی بر دسترسی مستمر به اطلاعات میدان نبرد و شناخت دقیق تحولات آن استوار است و تضعیف این قابلیت می‌تواند هزینه عملیات را افزایش دهد.

358 شدیداً مشغول کار است!

کنار آمار تلفات پهپادهای آمریکایی، بررسی تصاویر مربوط به برخی شکارهای اخیر پدافند سپاه، توجه را بار دیگر به یکی از سامانه‌های متفاوت دفاع هوایی ایران جلب می‌کند: پرتابه‌های سری 358 و 359.سرعت نسبتاً پایین این پرتابه‌ها در مقایسه با موشک‌های متعارف پدافندی، یکی از ویژگی‌هایی است که در تصاویر منتشرشده از برخی درگیری‌ها قابل مشاهده است، این مشخصه می‌تواند نشانه‌ای از به‌کارگیری خانواده 358 یا 359 باشد؛ هرچند تعیین مدل دقیق سلاح از روی تصاویر به‌تنهایی امکان‌پذیر نیست.

لحن مقتدرانه پیام رهبر انقلاب و مسئله عقبه اجتماعی

عقبه اجتماعی ایران به‌واقع بحثی پیچیده است. به این دلیل که در میان جریان‌های سیاسی داخل ایران و فعالان اپوزیسیون فهم متفاوتی از آن تبلیغ می‌شود. شاید بتوان با جرئت گفت این‌گونه نیست که فهم متفاوتی وجود داشته باشد، بلکه فقط در عرضه و تبلیغ آن هر کس اهداف سیاسی خود را با آن چیزی که عرضه می‌کند، هماهنگ می‌سازد.

در این‌صورت یعنی تمامی جریان‌های سیاسی رسمی داخلی و حتی اپوزیسیون پذیرفته‌اند که پس از دو جنگ اخیر پایگاه اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی یا آن‌گونه که رهبری معظم انقلاب نامیدند «عقبه اجتماعی ایران» افزایش یافته است.

بنابراین می‌توان مدعی شد که جمهوری اسلامی ایران به یک قدرت چالش‌برانگیز دیگر در مقابل قدرت‌های خارجی دست یافته و آن ایستادگی مردم پای وطن خویش است.

اگر این واقعیت را بپذیریم آنگاه می‌توان به درک بهتری از سخنان مقام معظم رهبری و به‌ویژه لحن کاملاً مقتدرانه و تهاجمی آن رسید. وقتی رهبر یک نظام سیاسی و یک ملت در اوج جنگ و تهدیدهای خارجی هیچ‌نشانه‌ای از عقب‌نشینی یا مدارا با دشمن در سخنانش یافت نمی‌شود، این فقط نمی‌تواند بر پایه قدرت نظامی و موشک‌ها و پهپادها باشد. هم‌چنین نمی‌تواند بر پایه تاب‌آوری اقتصادی باشد زیرا اگرچه مردم دولت در این مسئله تاب‌آوری خیلی خوب مقاومت و عمل کرده‌اند، ولی قطعاً اساس آن سخنان مقتدرانه رهبر معظم انقلاب بر این‌ها یعنی بر قدرت نظامی یا تاب‌آوری اقتصادی نبوده است.

ایشان فرمودند «با محاسبات الهی ایران قدرت اول جهان است». ولی این سخن به معنای نادیده‌گرفتن شواهد میدانی نیست. دقیقاً اگر ایران خود را مستظهر به امداد الهی می‌داند، نشانه‌ها و شواهد آن را در همین افزایش عقبه اجتماعی می‌بیند. از رسول گرامی اسلام(ص) نقل است که ایشان می‌فرمودند من با شواهد و سوگندها در میان شما قضاوت می‌کنم و بر اساس محاسبات زمینی حکمرانی می‌کنم. پس مفهوم عمیق سخن رهبر انقلاب که ایران را با محاسبات الهی قدرت اول دنیا می‌دانند، علم غیب نیست، بلکه همین محاسبات زمینی و شواهد است.شواهد به‌خوبی و به‌عینه نشان می‌دهد که ایران به یک عقبه اجتماعی بزرگ دست یافته که پس از دو جنگ اخیر برای آنان مسجل شد که تبلیغات دشمن خارجی برای کمک به مردم ایران تا چه حد فریب و دغل‌بازی بود و تا چه حد نام جنایت خود را «کمک» گذاشته بودند. دشمنان و برخی بدخواهان داخلی نیز در اصل این عقبه تردید نکرده‌اند، هرچند نام‌های دیگر بر آن می‌گذارند و آن را نوعی ملی‌گرایی که ربطی به نظام ندارد می‌دانند. ولی می‌توان به اینان پاسخ داد انقلاب اسلامی یا حتی مشروطه چگونه شکل گرفت؟! آیا آن هم نوعی ملی‌گرایی بود که ربطی به نظامات حاکم نداشت؟! اگر آن پایگاه‌های عظیم اجتماعی که در زمان مشروطه و به‌ویژه در انقلاب اسلامی شکل گرفت، یک حرکت ایدئولوژیک علیه نظامی که مردم آن را وابسته به امریکا می‌دانستند، بود، و از ملی‌گرایی هم خالی و بی‌بهره نبود، پس هر ملی‌گرایی یا حرکت در جهت حفظ ملیت و وطن می‌تواند نوعی تغییر باور و به‌نوعی یک حرکت فکری تلقی شود. عقبه اجتماعی شکل‌گرفته در زمان حاضر نیز با تغییر باورهای گسترده اکثریت جامعه نسبت به تبلیغات خارجی و شبکه‌های فارسی‌زبان و نسبت به وعده‌های امریکا همراه بوده است. وطن و خاک بدون عقیده و باور، ناقص است. قوی‌ترین جریان‌های ملی‌گرایی در نظام‌های سیاسی جهان نیز وقتی سخن از وطن و آب‌وخاک می‌کنند، آن را همراه با یک عقیده همراه می‌سازند نه با سنگ و کلوخ و مرز و حدود جغرافیایی.

به همین دلیل اتکای رهبر معظم انقلاب در پیام اخیرشان که برای بار چندم مردم را به حفظ خیابان و میدان دعوت کردند و آن را ستودند، همان باوری است که پشت این حضور شکل گرفته است. اگر چنین حضوری نبود



شاید تکلیف جنگ چهل‌روزه خیلی زودتر به‌نفع دشمن معین و تمام می‌شد. یا دست‌کم هنوز در فضای بمباران به امید براندازی حکومت به دست خود مردم بودیم.اکنون یک عقبه سیاسی و اجتماعی بزرگ داریم که سه بخش و گروه هستند. گروه بزرگی از آن عقبه همیشه در این صحنه‌ها حضور داشتند و هیچ تبلیغ و تهدیدی آنان را از صحنه خارج نمی‌کرد و نمی‌کند. بخش دیگری اگرچه حضور مستمر و حمایتی نداشتند ولی هرگز حاضر نبودند با دشمن همراهی کنند. اینان اکنون دوشادوش دسته اول در صحنه آمده‌اند و نارضایتی‌های نسبی و مقطعی خود را پنهان می‌کنند.

ایرانی که طهرانی‌مقدم ساخت



جنگ تحمیلی عراق علیه ایران فقط میدان نبرد زمینی نبود. بخش تلخ و فرساینده آن، جنگ شهرها بود؛ دوره‌ای که موشک‌های رژیم بعث بدون پاسخ درخور بر سر مردم فرود می‌آمد و ایران فاقد ابزار مناسب برای پاسخ متقابل بود. در آن شرایط سخت، کمبود سلاح و وابستگی تقریباً کامل به منابع خارجی یک واقعیت انکارناپذیر به‌شمار می‌رفت. شهرها آسیب می‌دیدند، روحیه عمومی تحت فشار بود و نبود بازدارندگی مؤثر، هزینه سنگینی بر کشور تحمیل می‌کرد.

همین واقعیت تلخ، زمینه ظهور رویکردی متفاوت شد؛ رویکردی که حسن طهرانی‌مقدم نمایندگی می‌کرد و بعدها به یکی از ارکان قدرت دفاعی ایران تبدیل شد.

شهید حسن طهرانی‌مقدم جنگ را صرفاً صحنه تحمل و مقاومت نمی‌دید. او آن را میدان تشخیص نیاز و طراحی پاسخ می‌دانست. وقتی فهمید دشمن از فاصله دور شهرها را هدف گرفته و توان پاسخگویی ما بسیار محدود است، به‌جای پذیرش انفعال، مسیر ساختن را برگزید. ابتدا در ساماندهی توپخانه سپاه نقش ایفا کرد و سپس مأمور راه‌اندازی یگان موشکی شد. این حرکت صرفاً یک اقدام فنی یا مقطعی نبود؛ انتخابی استراتژیک بود که بر باور به توان داخلی و رد وابستگی پایدار استوار بود. او فهمیده بود که اگر پاسخ فقط به خرید و کمک خارجی متکی بماند، هر لحظه ممکن است قطع شود و کشور دوباره در موضع ضعف قرار گیرد.

اندیشه محوری او روشن و عمیق بود: وابستگی، ضعف را تثبیت می‌کند و خوداتکایی، امکان بازدارندگی واقعی را فراهم می‌آورد. او باور داشت که اگر بتوانی بسازی و دوباره بسازی، طرف مقابل ناچار است محاسبات خود را تغییر دهد. این نگاه، ایران را از موضع صرفاً تدافعی در برابر تجاوز عراق خارج کرد و به سمت ایجاد قدرتی برد که امروز بخش مهمی از بازدارندگی کشور را تشکیل می‌دهد.

طهرانی‌مقدم با تأکید عملی بر «ما می‌توانیم»، باب خوداتکایی را در صنعت دفاعی گشود و نشان داد محدودیت می‌تواند نقطه آغاز حرکت باشد، نه پایان آن. او به جای تسلیم شدن در برابر شعارهایی که توان ملی را ناچیز می‌شمردند، مسیر آزمون و خطا، یادگیری و تولید را پیش گرفت .

نکته مهم‌تر از ساخت موشک‌های اولیه، رویکرد او به نیروی انسانی و سازمان بود. طهرانی‌مقدم فقط پروژه پیش نمی‌برد؛ نیرو تربیت می‌کرد و ساختار می‌ساخت. او می‌دانست قدرت واقعی وقتی ماندگار می‌شود که به افراد معدود وابسته نباشد. از همین رو، فضایی ایجاد کرد که دانش منتقل شود، تجربه انباشته گردد و جسارت تصمیم‌گیری در نسل‌های بعدی شکل بگیرد. بسیاری از پیشرفت‌های بعدی حوزه هوافضا و موشکی ایران، نتیجه همان بذری است که در دوران جنگ کاشته شد و توسط کسانی که او پرورش داد، رشد کرد.

این استمرار، نشانه بلوغ یک نگاه است، نه صرفاً موفقیت یک فرد. او نشان داد که ساختن سلاح بدون ساختن انسان و سازمان، نیمه‌کاره می‌ماند.

امروز که در هفته هوافضا از دستاوردهای دفاعی سخن گفته می‌شود، نباید فراموش کرد این قدرت یک‌شبه به دست نیامده است. ریشه آن به روزهای سخت جنگ تحمیلی بازمی‌گردد؛ روزهایی که تقریباً چیزی در اختیار نبود و باید از نزدیک به صفر آغاز می‌شد. طهرانی‌مقدم نشان داد ضعف می‌تواند نقطه شروع باشد، به شرط آنکه اراده و کار مستمر پشت آن قرار گیرد. او از وابستگی موقت به تجهیزات وارداتی آغاز کرد و به سمت بومی‌سازی و استقلال پایدار حرکت کرد. نتیجه این مسیر، تبدیل نیاز به توان و تبدیل توان به بازدارندگی است؛ بازدارندگی‌ای که صرفاً به موجودی انبارها متکی نیست، بلکه بر ظرفیت طراحی، تولید و بازتولید استوار است.

اندیشه او همچنان معنادار و کاربردی است. در شرایطی که محدودیت‌ها و فشارها شکل‌های تازه‌ای یافته‌اند و رقابت‌های فناورانه و تحریم‌های پیچیده ادامه دارد، همان پرسش اساسی باقی است: آیا منتظر می‌مانیم یا خود می‌سازیم؟ آیا به وابستگی تن می‌دهیم یا صاحب قدرت می‌شویم؟ پاسخی که طهرانی‌مقدم در دل جنگ با عراق داد، روشن بود. او ساختن را انتخاب کرد و امروز نتیجه آن انتخاب در اقتدار دفاعی کشور دیده می‌شود؛ اقتداری که صرفاً نظامی نیست و ابعاد سیاسی و روانی نیز دارد. دشمن وقتی بداند طرف مقابل هم اراده دارد و هم توان بازتولید قدرت را، ناچار است در محاسبات خود تجدیدنظر کند.

هفته هوافضا فرصت مناسبی است برای عبور از تجلیل صرف. فرصت است تا یادآوری شود قدرت پایدار از دل تشخیص درست نیاز و کار پیگیر پدید می‌آید. طهرانی‌مقدم این حقیقت را در شرایط جنگ تحمیلی اثبات کرد. از روزهای بی‌سلاحی آغاز کرد و مسیری گشود که به بازدارندگی امروز رسید. میراث اصلی او همین نگاه است: اگر اراده باشد، دانش بومی جدی گرفته شود و کار مستمر صورت گیرد، حتی از نقطه‌ای نزدیک به صفر نیز می‌توان به قدرت رسید.

این درس محدود به گذشته نیست و برای نسل امروز نیز الهام‌بخش و راهگشا باقی مانده است. زنده نگه داشتن این نگاه، بهترین بزرگداشت او و تضمینی برای تداوم اقتدار دفاعی کشور است.

رویکرد تمدنی به جنگ؛ شرط انسجام و خودآگاهی



سید احسان حسینی پژوهشگر و دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی، درباره نقش رویکرد تمدنی در انسجام درونی جامعه گفت: انسجام حقیقی خودبه‌خودی و یکدفعه‌ای به وجود نمی‌آید. انسجام امری درونی است و از جنس تألیف و تحبیب قلوب. ما نمی‌توانیم قصد کنیم که انسجام داشته باشیم؛ انسجام به وجود می‌آید. همان‌طور که نمی‌توانیم تصمیم بگیریم کسی را که تا دیروز دوست نداشتیم، از امروز دوست داشته باشیم. دوست داشتن یا نداشتن بر اساس شرایطی پیش می‌آید. ما می‌توانیم شرایط آن را فراهم کنیم و در نتیجه دوست داشتن یا نداشتن اتفاق بیفتد. انسجام هم از همین جنس است.

وی افزود: انسجام محصول تألیف و تحبیب قلوب است و عدم انسجام محصول سوءظن و بدبینی. همین که من دیگری را در هدفم شریک بدانم، رفتار او را همراستا با آن هدف ببینم و در نتیجه او را دوست داشته باشم، انسجام بروز می‌کند. از همین رو هم امام شهید و هم رهبر معظم انقلاب در کنار حفظ انسجام، به اعتماد به مسئولین تأکید می‌کنند و از مسئولین نیز عملکرد مقتضای انسجام را طلب دارند.

این‌پژوهشگر ادامه داد: هدف، چشم‌انداز، کنش و حتی گرایشات ما را چه چیز مشخص می‌کند؟ غیر از این است که این‌ها محصول رویکرد و نوع نگاه و آن هم در نتیجه شناخت ماست؟ بسته به اینکه من چه شناختی از جهان و به فراخور آن چه رویکردی داشته باشم، نوع هدف و چشم‌انداز من فرق می‌کند و این به من معنا می‌بخشد. حال اگر رویکرد ما به ظرفیت یک تمدن باشد و بدانیم بستر درگیری، نه دیروز و امروز بلکه به گستره تاریخ است، بسیاری از دعواها و اختلاف‌نظرها خودبه‌خود رنگ می‌بازد. چه آنکه او را که هدف قله است، سنگریزه‌های دشت از خود بی‌خود نمی‌کند. اینجاست که بسیاری دوگانه‌های کاذب و شکاف‌های غلط از بین می‌رود.

حسینی گفت: البته باید در خاطر داشته باشیم که انسجام به معنای عدم وجود هیچ شکافی نیست؛ بلکه انسجام یعنی نبود دوگانه‌های غلط. وگرنه از قضا این شکاف‌های درست است که به ما معنا می‌دهد و رویکرد تمدنی می‌تواند این خطکشی را تدقیق کند.

وی به نسبت نگاه بلندمدت تمدنی با فوریت‌های روزمره امنیت، اقتصاد و افکار عمومی اشاره کرد و گفت: چیزی که باید در اینجا مورد دقت نظر قرار بگیرد، تفاوت تمدن در مقام هدف و تمدن در جایگاه رویکرد است. گاهی تمدن را به‌عنوان اتفاقی در آینده بررسی می‌کنیم و گاهی تمدن را به‌عنوان رویکرد برمی‌گزینیم. مورد اول همان است که مورد بررسی مطالعات تمدنی قرار می‌گیرد و به ما می‌گوید تمدن نوین اسلامی که می‌خواهیم به آن برسیم، چه شکلی است و چه ویژگی‌هایی دارد. اما رویکرد تمدنی نگاه به امروز دارد برای رسیدن به فردا. رویکرد تمدنی به ما می‌گوید امروز را چگونه باشیم تا فردا در تمدن نوین اسلامی زندگی کنیم. این هر دو از هم جدا نیستند. به نوعی تمدن در معنای اول، هدف و چشم‌انداز است و تمدن در معنای دوم، مسیر را روشن می‌کند.

این‌پژوهشگر در ادامه گفت: با این تفاصیل، رویکرد تمدنی به ما می‌گوید با امنیت، اقتصاد و افکار عمومی چگونه برخورد کنیم. برای مثال مقوله افکار عمومی سال‌هاست که مورد مطالعه پژوهش‌ها و اندیشکده‌های غربی است؛ تا جایی که رشته‌های دانشگاهی گوناگونی به آن می‌پردازند. نکته قابل توجه در همه این مطالعات، مقوله کنترل افکار عمومی است. آن‌ها می‌گویند ما افکار عمومی را به گونه‌ای دستکاری می‌کنیم و فریب می‌دهیم که آن‌چه را ارباب قدرت و ثروت می‌خواهند، انتخاب کنند. ارزش در اینجا بقای زر و زور است و اگر افکار عمومی مهم می‌شود از این جهت است که بهتر به این بقا کمک می‌کند.

حسینی گفت: اما هدف در اسلام هدایت جامعه و افکار عمومی است نه کنترل و این هدایت با فریب و دروغ ممکن نمی‌شود. لذا در نگاه اسلامی (نگاه موحدانه) روش‌های تبیین اهمیت دارد؛ نه روش‌های فریب و دستکاری. شما هیچ‌یک از پیامبران را نمی‌یابید که با روشی غیر از تبیین به هدایت مردم همت گمارده باشد و مردم زمانش را فریب دهد؛ چرا که جامعه توحیدی و تمدن اسلامی از راهی غیر از این تحقق نمی‌یابد. حالا احتمالاً بهتر علت تأکیدات مکرر امام شهید بر جهاد تبیین را متوجه می‌شویم. در نتیجه وقتی رویکردی تمدنی داشته باشید، حتی در نوع مواجهه شما با موضوعاتی چون افکار عمومی تأثیر مستقیم دارد.

وی در ادامه به تأثیر رویکرد تمدنی بر تصویر «دیگری» پرداخت و اظهار داشت: تصویر دیگری یکی از مفاهیمی است که ذیل بحث هویت مطرح می‌شود. چه در جنبه فردی و چه از منظر اجتماعی، هرکس که شناختی از خود داشته باشد، لاجرم تصویری از دیگری دارد. در نتیجه وجود دیگری امری ناگزیر است و حتی باعث تحکیم هویت خودی نسبت به دیگری می‌شود. تعریف تصویر دیگری از فرد یا گروه خاصی بستگی به مبانی هویتی ما دارد. به این معناکه بسته به اینکه ما بنیان‌های هویتی خود را بر چه مؤلفه‌هایی بنا کنیم، دیگری ما متفاوت خواهد شد. بر همین اساس، ذیل دیگری می‌توانیم دیگران دوستان و دیگران دشمن را مشخص کنیم. برای مثال اگر هویت ناسیونالیستی ملاک باشد، حتما دیگری آن‌هایی هستند که خارج از دایره یک دولت-ملت قرار می‌گیرند. هالیوود سال‌ها تلاش کرد دیگری هویتی خود را، که با رویای آمریکایی تضاد دارند، در بلوک شرق بسازد و پس از آن در مسلمانان جست. برخی از دوگانه‌های هویتی که دیگری روشنی را تعریف می‌کنند عبارتند از: بلوک شرق و غرب، جهان اول و جهان سوم، توسعه‌یافته و در حال توسعه و...

این‌پژوهشگر گفت: وقتی تمدن و رویکرد تمدنی مؤلفه هویت‌یابی باشد، دیگر دوگانه‌هایی این‌چنین محور تعریفی قرار نمی‌گیرند. تمدن‌ها فراتر از مسائلی چون امکانات مادی، مرزهای جغرافیایی و حتی بازه‌های محدود زمانی هستند. درگیری تمدنی، یک درگیری تاریخی است و هر تمدن در شناخت‌ها، دانش‌ها، ساختارها و محصولات نمود پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، هر تمدن زیست‌جهان مخصوص به خود را می‌سازد. از همین رو، امام خمینی (ره) پس از انقلاب به جای استفاده از دوگانه‌های مرسوم، بر دوگانه‌هایی چون «مستضعفین و مستکبرین» تأکید می‌کند. بر همین اساس می‌توان نوع دیپلماسی و منافع مشترک جهانی را تنظیم کرد. ایجاد و تقویت جبهه مقاومت را از همین منظر باید دید.

حسینی به پیامدهای رویکرد تمدنی برای نسل جوان اشاره کرد و گفت: همچنان که گفتیم هر تمدن زیست‌جهان مخصوص به خود را دارد. زندگی در این زیست‌جهان، نوع نگاه و حتی تفکر افراد را تنظیم می‌کند. از آن پس آدم‌ها به گونه خاصی می‌اندیشند، در دایره آن می‌فهمند و پیش‌فرض‌ها را می‌پذیرند. متأسفانه ما در دوران استیلای تمدنی غرب زندگی می‌کنیم و این کار را برای ما سخت می‌کند. حکایت ما حکایت راننده‌ای است که در سرازیری و با سرعت زیاد می‌خواهد پنچری ماشین را بگیرد؛ هرچند که امروز علائم افول این تمدن از هر زمان دیگری واضح‌تر است.



آخوندزاده اولین لگدها را به دین زد!

سلسله نشست‌های علمی حلقه مباحثه تاریخ معاصر ایران با موضوع روشنفکری در ایران با حضور علیرضا زادبر پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی و استاد دانشگاه در سالن شهید مطهری دانشگاه امام صادق(ع) برگزار شد. این نشست به همت بسیج دانشجویی و هسته تاریخ معاصر ایران این دانشگاه و با محوریت آغازین ستیزها با سنت؛ میرزا فتحعلی آخوندزاده برگزار شد.

علیرضا زادبر در آغاز سخنان خود در این نشست با اشاره به اهمیت جریان روشنفکری در دویست سال گذشته اظهار داشت: یکی از جریان‌های مهم تاریخ معاصر ایران، جریان روشنفکری است، هرچند می‌توان تأثیر آن را در بخشی منفی ارزیابی کرد. درباره عنوان روشنفکری نیز باید بحث شود، زیرا ادبیاتی که در دوره مشروطه و پیشامشروطه رواج یافت، منورالفکر بود. همچنین جلال آل‌احمد در این زمینه کتاب مهمی با عنوان در خدمت و خیانت روشنفکران دارد که مطالعه آن ضروری است. وی این کتاب را در دوره‌ای می‌نوشت که به امام خمینی(ره) نامه نوشت و از رویکرد پیشین خود فاصله گرفته بود.

وی افزود: فصل نخست این کتاب شایسته مطالعه است، زیرا آل‌احمد بحث مفصلی درباره این موضوع مطرح می‌کند که روشنفکری چیست و این عنوان به چه فعل، صنف، کنش، اخلاق، سنت و رفتاری اطلاق می‌شود. همچنین آقای بشیری نیز در کتاب جریان‌شناسی جامعه‌شناسی سیاسی فصلی را به روشنفکری اختصاص داده است که مطالعه آن مفید است.

زادبر با اشاره به شکل‌گیری روشنفکری در عصر روشنگری اروپا، به‌ویژه در پاریس اظهار داشت: روشنفکری بیش از هر چیز یک تیپ بود که از نظر اخلاقی و رفتاری با ویژگی‌هایی همچون ریش پروفسوری، سیگار کشیدن و کافه‌نشینی شناخته می‌شد. اما روشنفکری صرفاً به این ویژگی‌ها محدود نبود، زیرا یکی از ویژگی‌های اصلی روشنفکری، نقد قدرت است، و روشنفکران کسانی هستند که بیرون از قدرت سیاسی قرار دارند و آن را بی‌رحمانه نقد می‌کنند. بنابراین باید گفت که روشنفکری، منتقد و پرسشگر قدرت است.این پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی تصریح کرد: از این منظر، این پرسش مطرح بود که آیا فردی که می‌خواهد روشنفکر باشد و قدرت را نقد کند، می‌تواند خود وارد قدرت شود یا خیر؟وی افزود: در روشنفکری پیشا مشروطه ایران، میرزا ملکم‌خان ارمنی را مشاهده می‌کنیم که خود وارد قدرت شد، هم مشاور ناصرالدین‌شاه بود، هم کتابی شبیه به تنظیمات عثمانی نگاشت و هم در سفارت و وزارت مسئولیت پذیرفت. همچنین میرزا یوسف مستشارالدوله صاحب اثر یک کلمه و میرزا حسین‌خان سپهسالار نیز تا لایه صدراعظمی پیش رفتند. البته، این امر برخلاف سنتی بود که در غرب وجود داشت، چرا که بر اساس آن، روشنفکر باید بیرون از قدرت قرار می‌گرفت و بی‌رحمانه آن را نقد می‌کرد.زادبر در ادامه با برشمردن سه لایه نقد در جریان روشنفکری اظهار داشت: لایه نخست؛ نقد قدرت سیاسی است، لایه دوم؛ نقد قدرت اجتماعی، یعنی اخلاقیات منفی مردم، سنت‌های نادرست و خرافات آنان است؛ و لایه سوم؛ نقد دین است. از این منظر، یکی از ویژگی‌های جریان روشنفکری این بود که اخلاق دینی و خود دین را نیز همواره بی‌رحمانه نقد کند، و پرسشگری از قدرت، عادات اجتماعی و عادات دینی نیز از ویژگی‌های این جریان به شمار می‌رود.این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه مسئله اصلی بر سر ایده انسان است، تصریح کرد: در غرب، طرح اصلی بر سر ایده انسان قرار داشت. اما امروز با دو تصویر از انسان روبه‌رو هستیم، نخست؛ انسانی که تمدن غرب طی سیصد تا چهارصد سال مطرح کرده است و دوم؛ انسانی که می‌توان آن را انسان انقلاب اسلامی نامید. از همین رو، هنگامی که وزیر امور خارجه آمریکا نطقی کاملاً ایدئولوژیک و تمدنی در آتن ایراد می‌کند، مخاطب آن ونزوئلا، چین یا کره شمالی نیست، زیرا منازعه جهان غرب با کره شمالی یا چین بر سر چیستی انسان نیست،چرا که هر دو منبع مادی‌گرایی دارند و مسئله، میزان تسلط بر انسان و قدرت است.وی افزود: در دوره مشروطه و پیشا مشروطه، آنچه برای جریان روشنفکری ایران جذابیت داشت، گویی ایده‌ای جدید از انسان بود، اما روشنفکران هنوز فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی غرب را به درستی درنیافته بودند، و افرادی مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده تازه در حال مواجهه با این مفاهیم بودند. ایشان در روسیه و عثمانی به سر می‌برد، اروپا را ندیده بود و ترجمه‌های روسی آثار اروپایی را مطالعه کرده بود.زادبر با طرح این پرسش که روشنفکری چگونه در ایران متولد شد، اظهار داشت: روشنفکری را می‌توان نسل‌بندی کرد. نسل نخست؛ روشنفکران پیشا مشروطه‌اند که مشروطه را ندیدند و افرادی نظیر ملکم‌خان، آخوندزاده و طالبوف را میتوان نام برد. نسل دوم؛ روشنفکران عصر مشروطیت، مانند تقی‌زاده را میتوان نام برد، و نسل سوم را روشنفکران عصر پهلوی اول تشکیل می‌دهند



هرچه در صنعا بکارید در ریاض درو خواهید کرد

در حالی که یمنی‌ها همچنان با قدرت به حملات خود علیه اهداف حیاتی عربستان ادامه می‌دهند و از فرودگاه‌ها و زیرساخت‌های نفتی به مراکز مالی این کشور رسیده‌اند، «عبدالملک العجری»، عضو هیات مذاکره‌کننده دولت یمن، شب گذشته طی سخنانی اعلام کرد: هرگونه پیچیدگی سیاسی، اقتصادی یا امنیتی که عربستان سعودی به بحران یمن اضافه کند، نتیجه معکوس خواهد داد و به یک فشار وخیم بر ریاض تبدیل خواهد شد.

العجری خطاب به رژیم سعودی گفت: آنچه در صنعا بکارید، در ریاض درو خواهید کرد و تلاش عربستان برای تشدید بحران یمن نتیجه معکوس خواهد داد، امنیت عربستان را بیش از پیش از بین می‌برد و فشار مزمنی بر اقتصاد آن ایجاد می‌کند.

صنعا: زمان به ضرر سعودی‌ها می‌گذرد/ عملیات‌های یمن شدیدتر می‌شود

وی تاکید کرد: یمن عرصه‌ای نیست که بتوان از راه دور آن را مدیریت و در آن بحران‌سازی کرد، بلکه کشور همسایه عربستان سعودی است. همچنین تجربه ثابت کرده که جغرافیای یمن بی‌رحم است و سرمایه‌گذاران، نقشه‌ها را می‌خوانند، نه کاغذها را.

این مقام یمنی تصریح کرد: بنابراین هر رویکردی که واقعیت جغرافیایی و ارتباط مستقیم بین امنیت یمن و امنیت منطقه را نادیده بگیرد، منجر به ثبات نخواهد شد، بلکه در عوض، پیامدهای بحران را برای طرف‌های درگیر تشدید خواهد کرد.

حزب‌الله: راه امام شهید را تکمیل می‌کنیم



حسین الحاج حسن، عضو ارشد فراکسیون وفاداری به مقاومت در پارلمان لبنان طی سخنانی به مناسبت روز شهید و گرامیداشت یاد شهدای مقاومت اعلام کرد: مهم‌ترین پیام میان ما و شهدا این است که ما راهشان را ادامه خواهیم داد و به خواست خدا این مسیر را تکمیل می‌کنیم.

راه امام شهید و سید مقاومت را تکمیل می‌کنیم

حسین الحاج حسن افزود: ما به عهد خود پایبندیم و با شهدای گرانقدر خود و با سرورمان شهید امام سید علی خامنه‌ای، رهبر بزرگ امت اسلامی و شهید سید حسن نصرالله، سید مقاومت تجدید پیمان می‌کنیم که راهشان را ادامه خواهیم داد و هیچ قدرت، فشار، ارعاب، تطمیع یا هیچ چیز دیگری نمی‌تواند ما را از راهی که نهاپیش گرفته‌اند منصرف کند.وی تاکید کرد: هر چقدر هم که آزمایش‌ها، مشکلات و موانع سخت باشد، ما در راه شریف شهدای بزرگ خود می‌مانیم. وقتی که جنایتکارانی همچون رژیم صهیونیستی و آمریکا با ما دشمنی می‌کنند و می‌جنگند، این خود دلیلی قطعی بر این است که ما در مسیر حق هستیم، حتی اگر این مسیر دشوار یا طاقت‌فرسا باشد.

این نماینده حزب الله گفت: کسانی که با آمریکا متحد هستند، باید بدانند که در مسیر باطل و خطا قرار گرفته‌اند ، حتی اگر تعدادشان زیاد باشد. بنابراین، هر کسی که معتقد باشد تکیه بر آمریکا و اسرائیل علیه مقاومت راه درست است، اشتباه می‌کند.

دشمنان مجبورند به قدرت مقاومت اذعان کنند

الحاج حسن در ادامه اظهار داشت که تکیه بر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه مقاومت، اشتباه‌ترین راهی است که هر کسی می‌تواند پیش بگیرد. آمریکایی‌ها، صهیونیست‌ها، شماری از کشورهای عربی و غربی و برخی طرف‌ها در داخل لبنان تصور می‌کردند که مقاومت را در طول جنگ ۲۰۲۴، سپس در طول ۱۵ ماه بعد و سپس در طول جنگ ۲۰۲۶ از بین خواهند برد.

حزب‌الله: شکست ترامپ در انتخابات آمریکا ناشی از شکست مقابل ایران بود

وی تاکید کرد: اما همه آنها دیدند که مقاومت از بین رفتنی نیست و همچنان باقی مانده است. اینکه مقاومت تبدیل به دغدغه همه دشمنان داخلی و خارجی شده، نشان می‌دهد که این مقاومت با قدرت همچنان در میدان حضور دارد و در همین زمینه، چند روز قبل سفرای ۵ کشور بزرگ بیانیه‌ای صادر و به مقاومت که ادعا می‌کردند به پایان رسیده است، حمله کردنداین نماینده پارلمان لبنان گفت: این بدان معناست که پروژه دشمنان با وجود همه جنایات و قتل عام‌هایی که علیه کودکان، زنان و مردان ما مرتکب شدند و ترور رزمندگان و رهبران مقاومت، در رسیدن به هدف خود شکست خورده است.

اهداف دشمن شکست خورد و ایران بر شریان حیاتی اقتصاد جهان مسلط استحسین الحاج حسن در ادامه به اهداف تجاوز آمریکایی صهیونیستی علیه ایران پرداخته و اظهار داشت: هدف تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران، همانطور که بارها اعلام کرده‌اند، نابودی ایران و سرنگونی نظام آن بود. اما با این وجود و در حالی که رهبر بزرگ ما امام سید علی خامنه‌ای به شهادت رسید، اما دشمنان به هدفشان نرسیدند و نتیجه، عکس چیزی شد که تصور می‌کردند.

عراقچی: حملات آمریکا به ایران ناقض منشور ملل متحد است



«سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در یادداشتی که در خبرگزاری ژاپنی «کیودو» منتشر شده است، حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران را نقض آشکار منشور ملل متحد و تعرض به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورمان توصیف کرد.اگر دولت‌ها آزاد باشند که بر اساس ارزیابی‌های خود از تهدیدهای احتمالی آینده، به یکدیگر حمله کنند، چه چیزی از نظم حقوقی بین‌المللی باقی خواهد ماند؟ این پرسش بسیار فراتر از اختلاف سیاسی میان ایران و ایالات متحده است. این پرسش به یکی از اصول بنیادینی مربوط می‌شود که نظم بین‌المللی شکل‌گرفته پس از جنگ جهانی دوم بر آن استوار است: توسل به زور تابع قانون است و هیچ دولتی، هر اندازه هم قدرتمند باشد، حق ندارد قضاوت خود را بر قواعد الزام‌آور حقوق بین‌الملل مقدم بدارد.حملات نظامی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی علیه ایران، نقض آشکار ممنوعیت توسل به زور و تعرض به حاکمیت ایران محسوب می‌شوند. مشروعیت این حملات باید بر اساس منشور ملل متحد و اصول تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل ارزیابی شود، نه بر مبنای استدلال‌ها و توجیهات سیاسی‌ای که پس از آغاز عملیات نظامی مطرح می‌شوند.

منشور ملل متحد محدودیت‌های روشنی بر توسل به زور مقرر می‌کند

ماده 2 بند 4 منشور ملل متحد، تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور را ممنوع می‌کند. این ممنوعیت صرفاً یک تعهد معاهده‌ای نیست، بلکه قاعده‌ای بنیادین در حقوق بین‌الملل عرفی نیز به شمار می‌رود؛ چنان‌که دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی سال 1986 خود در قضیه نیکاراگوئه نیز بر آن تأکید کرده است.حقوق بین‌الملل تنها در شرایطی که به‌طور محدود و مشخص تعریف شده‌اند، توسل به زور را مجاز می‌داند که از جمله آن‌ها اعمال حق دفاع مشروع بر اساس ماده 51 منشور است. حمله نظامی ایالات متحده به ایران نه مجوزی از سوی شورای امنیت داشته است و نه ادعاهای مربوط به تهدیدهای احتمالی آینده، به‌خودی‌خود، می‌توانند مبنای حقوقی کافی برای استناد به حق دفاع مشروع فراهم کنند.ماده 51 در صورت وقوع حمله مسلحانه، حق دفاع مشروع را به رسمیت می‌شناسد. تلقی یک تهدید احتمالی در آینده به‌عنوان مبنایی برای اقدام نظامی، به معنای پذیرش جنگ پیشگیرانه بر اساس تشخیص یک‌جانبه دولت‌ها خواهد بود. چنین تفسیری ممنوعیت توسل به زور را به‌شدت تضعیف می‌کند و حتی ممکن است آن را از هرگونه معنای عملی تهی سازد.

مشروعیت حمله ایالات متحده همچنین در محافل حقوقی آمریکا مورد تردید قرار گرفته است. رئیس شعبه آمریکایی انجمن حقوق بین‌الملل، در بیانیه‌ای که در تاریخ 6 مارس 2026 صادر کرد، حمله به ایران را غیرقانونی توصیف کرد و با تأکید بر این نکته که تهدیدهای حدسی و گمانه‌زنانه درباره آنچه ممکن است در آینده رخ دهد، نمی‌توانند توجیه‌کننده استفاده از نیروی نظامی باشند، غیرقانونی بودن چنین اقدامی را مورد تأکید قرار داد.

تجاوز نظامی مسئولیت بین‌المللی در پی دارد

قطعنامه 3314 مجمع عمومی سازمان ملل متحد که تعریف تجاوز را مشخص می‌کند، اقداماتی از قبیل حمله نیروهای مسلح یک کشور به سرزمین کشور دیگر و محاصره بنادر یا سواحل یک کشور را از مصادیق تجاوز برمی‌شمارد. در نبود هرگونه توجیه حقوقی معتبر برای توسل به زور، حمله نظامی ایالات متحده به ایران، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شود که ایالات متحده در قبال آن مسئولیت دارد.بر اساس حقوق مسئولیت دولت‌ها، هرگاه رفتاری قابل انتساب به یک دولت، ناقض تعهدات بین‌المللی آن باشد، آن دولت مسئولیت بین‌المللی پیدا می‌کند. این مسئولیت، پیامدهای حقوقی مشخصی در پی دارد: دولت موظف است در صورتی که رفتار متخلفانه همچنان ادامه دارد، به آن پایان دهد؛ تضمین‌ها و اطمینان‌های مقتضی مبنی بر عدم تکرار آن ارائه کند و خسارات وارده را به‌طور کامل جبران کند. ملاحظات سیاسی یا امنیتی نمی‌توانند به‌خودی‌خود ایالات متحده را از پیامدهای حقوقی اقداماتش مبرا سازند.نقض‌های فاحش تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل، یا (Jus Cogens)، برای سایر دولت‌ها نیز پیامدهایی به همراه دارد. حقوق بین‌الملل دولت‌ها را ملزم می‌کند که از طریق ابزارهای قانونی برای پایان دادن به چنین نقض‌هایی همکاری کنند، از به‌رسمیت شناختن وضعیت‌های ایجادشده در نتیجه این نقض‌ها به‌عنوان وضعیت‌های قانونی خودداری ورزند و از ارائه کمک یا مساعدتی که به تداوم این وضعیت‌ها بینجامد، امتناع کنند.ایران نیز به نوبه خود، در واکنش به حمله مسلحانه، همچنان از حق دفاع مشروع خود بر اساس ماده 51 منشور ملل متحد برخوردار است. ایران می‌تواند این حق را با رعایت شرایط و محدودیت‌های مقرر در حقوق بین‌الملل اعمال کند.

موضوع فراتر از ایران است

اهمیت این پرونده بسیار فراتر از امنیت ایران یا موازنه قدرت در خاورمیانه است. آنچه در نهایت در معرض خطر قرار دارد، اعتبار نظم حقوقی بین‌المللی‌ای است که با هدف جلوگیری از توسل خودسرانه دولت‌ها به زور طراحی شده است. اگر اجازه داده شود قدرت نظامی بر تعهدات حقوقی غلبه کند و دولت‌های مسئول تجاوز از پاسخگویی بگریزند، امنیت هیچ کشوری را نمی‌توان تضمین‌شده دانست.



هرات و خوزستان در مسیر توسعه

توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی و شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری مشترک، هرات و خوزستان را به سمت گسترش همکاری‌های اقتصادی سوق داده است؛ دو منطقه‌ای که با برخورداری از ظرفیت‌های تجاری، صنعتی و جغرافیایی مکمل، می‌توانند زمینه افزایش مبادلات و تقویت ارتباط میان فعالان بخش خصوصی ایران و افغانستان را فراهم کنند.

در ماه‌های اخیر، توسعه مسیرهای ارتباطی میان ایران و افغانستان بار دیگر در دستور کار مقام‌های دو کشور قرار گرفته است. اول مهرماه ۱۴۰۵، والی هرات در دیدار با هیئتی از وزارت راه و شهرسازی ایران، درباره توسعه خطآهن هرات ــ خواف، تکمیل جاده ابونصر فراهی و افزایش مبادلات تجاری گفتوگو کرد. رفع مشکلات صادرات و واردات در گذرگاه اسلام‌قلعه نیز از دیگر موضوعات مطرح‌شده در این دیدار بود.در ادامه این روند، فاز نخست قطعه چهارم خطآهن هرات ــ خواف به طول ۴۳ کیلومتر، ششم مهرماه به بهره‌برداری رسید؛ اقدامی که می‌تواند ظرفیت جابه‌جایی کالا میان دو کشور را افزایش دهد و زمینه استفاده بیشتر از حمل‌ونقل ریلی در تجارت منطقه‌ای را فراهم کند.در چنین شرایطی، گسترش ارتباطات اقتصادی هرات و خوزستان می‌تواند از ظرفیت‌های جدید حمل‌ونقلی و تجاری بهره‌مند شود. خوزستان با برخورداری از صنایع فولاد و پتروشیمی و زیرساخت‌های بندری و حمل‌ونقلی، ظرفیت تأمین بخشی از نیازهای بازار افغانستان را دارد. در مقابل، هرات نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و ارتباط با بازارهای آسیای میانه، می‌تواند در توسعه مبادلات منطقه‌ای نقش‌آفرینی کند.

در همین راستا، محمد یونس قاضی‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی و سرمایه‌گذاری هرات، در نشست ویدئوکنفرانسی با اتاق بازرگانی اهواز، بر ظرفیت‌های اقتصادی این ولایت و ضرورت گسترش ارتباط میان فعالان بخش خصوصی دو طرف تأکید کرد.

وی با اشاره به جمعیت بیش از چهار میلیون نفری هرات، منابع طبیعی، عضویت بیش از ۱۰ هزار فعال اقتصادی در اتاق بازرگانی و فعالیت ۲۴ اتحادیه، این ظرفیت‌ها را زمینه‌ای برای توسعه همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری دانست.قاضی‌زاده همچنین با اشاره به موقعیت ترانزیتی هرات و برخورداری این ولایت از دو بندر خشک، خرید محصولات فولادی و پتروشیمی خوزستان را از زمینه‌های همکاری اقتصادی میان دو منطقه عنوان کرد.

جهش تجارت ایران و افغانستان از مسیر راه‌آهن خواف–هرات

با این حال، توسعه روابط تجاری تنها به ظرفیت‌های تولیدی و نزدیکی جغرافیایی محدود نمی‌شود. مشکلات گمرکی، موانع مبادلات مالی، روند صدور روادید تجاری و هزینه‌های حمل‌ونقل از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر حجم و استمرار مبادلات اقتصادی تأثیر بگذارند.

در همین چارچوب، پیشنهاد تشکیل کمیته مشترک میان اتاق‌های بازرگانی هرات و اهواز برای پیگیری موضوعاتی مانند سرمایه‌گذاری، روادید، گمرک و مبادلات مالی مطرح شده است. تبادل اطلاعات اقتصادی، تدوین تقویم مشترک نمایشگاهی و اعزام هیأت‌های تجاری نیز از دیگر پیشنهادها برای تقویت ارتباط میان فعالان بخش خصوصی دو منطقه به شمار می‌رود.از این منظر، توسعه همکاری‌های هرات و خوزستان می‌تواند بخشی از روند گسترده‌تر گسترش روابط اقتصادی ایران و افغانستان باشد؛ روندی که در آن، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ترانزیت در کنار ظرفیت‌های تولیدی و تجاری، نقش مهمی ایفا می‌کنند.با وجود این ظرفیت‌ها، تبدیل فرصت‌های موجود به همکاری‌های پایدار، نیازمند تدوین برنامه اجرایی مشخص، شناسایی پروژه‌های مشترک و پیگیری مستمر موانع پیش‌روی بازرگانان است. در غیر این صورت، فرصت‌های اقتصادی دو منطقه همچنان در سطح پیشنهادها و مذاکرات باقی خواهد ماند. «نوراحمد اسلام‌جار»، والی هرات و علیرضا مرحمتی، سرکنسول جمهوری اسلامی ایران در این ولایت، درباره راه‌های گسترش روابط اقتصادی و تجاری میان ایران و افغانستان تبادل نظر کردند.

در این دیدار، تسریع روند انتقال کالاهای تجاری از مسیر مرز اسلام‌قلعه، پیشرفت پروژه راه‌آهن هرات–خواف، افزایش ظرفیت پذیرش خودروهای تجاری در مرز و تسهیل روند صدور ویزا برای شهروندان افغانستان بررسی شد.

والی حکومت طالبان در هرات بر ضرورت افزایش ظرفیت پذیرش خودروهای تجاری در گذرگاه‌های مرزی و ایجاد تسهیلات بیشتر در روند صدور ویزا تأکید کرد و گفت این اقدامات می‌تواند زمینه رفت‌وآمد قانونی شهروندان و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری را فراهم کند.

علیرضا مرحمتی، سرکنسول ایران در هرات، نیز بر تعهد تهران برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری با افغانستان تأکید کرد.

وی توسعه همکاری‌های مرزی، پیشبرد پروژه راه‌آهن هرات–خواف و بررسی راهکارهای تسهیل صدور ویزا را از محورهای مهم تقویت روابط دوجانبه عنوان کرد.

ترمیم دستمزدها؛ گامی مؤثر برای حمایت از تولید و مصرف داخلی



جامعه کارگری کشور در میان دو روایت متضاد دولتی و واقعیت‌های تلخ اقتصادی گرفتار شده است. در حالی که وعده بازنگری دستمزدها در شهریورماه به یک بن‌بست اداری و سیاسی تبدیل شده و سخنگوی دولت وعده‌های پیشین را تکذیب می‌کند، فعالان کارگری هشدار می‌دهند که سرکوب قدرت خرید نیروی کار، نه تنها تورم را مهار نمی‌کند، بلکه موتور محرک رونق تولید را از کار می‌اندازد.

وعده زمستانی و شوک پاییزی

جنگ روانی و معیشتی کارگران با یک وعده رسمی در اسفند ماه سال گذشته آغاز شد. احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اسفند ماه ۱۴۰۵، با تأکید بر حمایت از اقشار تولیدکننده، صراحتاً اعلام کرد که در صورت نیاز، در شهریورماه بازنگری در دستمزدها انجام خواهد شد. این جمله برای میلیون‌ها کارگری که با تورم سرسخت می‌جنگیدند، به معنای یک «تعهد دولتی» بود.

اما با گذشت شهریور و رسیدن به مهر و آبان ماه، به جای اجرای وعده، با یک «تغییر روایت» بنیادین روبرو شدیم. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در اظهاراتی که موجی از اعتراضات را برانگیخت، هرگونه وعده افزایش حقوق را تکذیب کرد و گفت: «این موضوع که دولت وعده داده است حقوق‌ها افزایش پیدا کنند، هرگز اتفاق نیفتاده است.» وی با تفکیک میان «آرزو» و «توان»، هرگونه ترمیم حقوق را به سال ۱۴۰۶ موکول کرد و از دستگاه‌ها خواست تا از طریق «طرح‌های رفاهی» به جای افزایش دستمزد، قدرت خرید را ترمیم کنند .

افشای بن‌بست در شورای عالی کار

این تناقض در لایه اجرایی، به شکل یک بن‌بست کامل در شورای عالی کار ظاهر شده است. محسن باقری، نماینده کارگران در این شورا، از وضعیت بحرانی مدیریت این پرونده پرده برداشت. وی فاش کرد که نه تنها وعده شهریور اجرا نشد، بلکه حتی جلسات عادی و ماهانه شورا نیز به بهانه پرونده دستمزد تعطیل شده است.

باقری با انتقاد از عدم تشکیل «کمیته مزد» و بی‌پاسخی وزارت کار به نامه‌های رسمی، تأکید کرد: ما مطلع هستیم که وزیر کار دیگر به دنبال افزایش دستمزد نیست. وقتی مقامات ارشد دولت موضع‌گیری‌های غیرکارشناسی اتخاذ می‌کنند، وزیر کار تحت فشار قرار می‌گیرد.به باور وی، سکوت دولت و نادیده گرفتن کارگران در تصمیم‌گیری‌های کلان، فضای بی‌اعتمادی را به اوج رسانده است.

رد فرضیه «تورم‌زایی دستمزد» با زبان اعداد

حالی که دولت «توان مالی» و «ترس از تورم» را بهانه می‌کند، تحلیل‌های مستند، این استدلال‌ها را به چالش می‌کشد. سمیه گلپور، فعال کارگری، با استناد به آمارهای رسمی، فرضیه «مارپیچ دستمزد و تورم» را یک خطای محاسباتی خواند.

گلپور با اشاره به تورم ماهانه مهرماه در حالی که دستمزدها کاملاً ثابت بود، استدلال می‌کند: در مهری که هیچ کارگری اضافه‌حقوق نگرفت، تورم بالا رفت؛ پس چگونه می‌توان دستمزد را عامل تورم دانست؟ وی با تأکید بر تورم نقطه به نقطه ۸۳درصدی، هشدار داد که کارگری که قدرت خریدش له شده، هرگز عامل تقاضای مازاد در بازار نیست، بلکه خود بزرگ‌ترین قربانی ناترازی‌های پولی و نوسانات ارزی است.

سرمایه‌گذاری در قدرت خرید؛ تنها راه نجات تولید

در نهایت، این پرسش مطرح می‌شود که چرا اصرار بر به‌روزرسانی دستمزدها، صرفاً یک مطالبه صنفی نیست و بلکه یک ضرورت اقتصادی است؟واقعیت این است که در اقتصاد ایران، کارگران لایه اصلی مصرف‌کنندگان داخلی هستند. وقتی دستمزدها منجمد شوند، قدرت خرید حذف شده و در نتیجه تقاضا برای محصولات داخلی کاهش می‌یابد. این روند مستقیماً منجر به رکود تولید در کارخانه‌ها می‌شود. بنابراین، تقویت قدرت خرید کارگران، نه یک هزینه اضافی برای دولت و کارفرما، بلکه یک «سرمایه‌گذاری در تقاضا» است.



مرز ایران و ارمنستان، کریدور مهم تجاری

جعفر قادری با اشاره به اهمیت راهبردی مرز ایران و ارمنستان در تحولات منطقه‌ای و توسعه مسیرهای ترانزیتی اظهار کرد: تحولات و محدودیت‌هایی که در جریان جنگ دوازده‌روزه، جنگ رمضان و حوادث پس از آن رخ داد، همچنین تلاش آمریکا برای اعمال محاصره اقتصادی، نشان داد که ایران باید از همه ظرفیت‌های جغرافیایی خود در مرزهای شرقی، غربی و شمالی، در کنار ظرفیت‌های جنوبی استفاده کند و فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود را به مرزهای جنوبی محدود نسازد.وی با بیان اینکه اقتصاد تاب‌آور نیازمند تنوع مسیرهای واردات و صادرات است، افزود: کشوری که برای تأمین مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز خود به خارج از مرزها وابسته است و هم‌زمان به دنبال صادرات محصولات و کالاهای تولیدی است، باید تمام ظرفیت‌های ارتباطی و مرزی خود را به کار بگیرد.قادری مرز ارمنستان را فرصتی برای گسترش ارتباطات تجاری ایران با روسیه و کشورهای شمال قفقاز دانست و گفت: این مسیر می‌تواند امکان صادرات کالاهای ایرانی به بازارهای شمالی و در مقابل، واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز کشور را فراهم کند.عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به سابقه مناسبات ایران و ارمنستان و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی میان دو کشور تصریح کرد: تعاملات تاریخی و ارتباطات میان مردم دو کشور، از جمله حضور جامعه ارامنه در ایران و استان‌های مختلف، زمینه مناسبی برای تقویت مناسبات اقتصادی فراهم کرده است.به گفته وی، متنوع شدن مسیرهای صادراتی و وارداتی، علاوه بر افزایش امنیت اقتصادی کشور، می‌تواند مناطق مرزی را نیز از وضعیت کم‌تحرکی خارج کند و به کانون‌های فعال اقتصادی، تولیدی و تجاری تبدیل سازد.قادری با اشاره به ظرفیت‌های منطقه شمال کشور و رود ارس ادامه داد: وجود رود ارس و امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های آبی آن برای فعالیت‌های مشترک در دو سوی مرز، در کنار ایجاد پل‌های ارتباطی جدید، می‌تواند زمینه گسترش ارتباطات با ارمنستان را فراهم کند. همچنین احداث پل جدید بر روی ارس و ایجاد مسیرهای ارتباطی تازه، ظرفیت کریدورهای صادراتی و وارداتی کشور را افزایش خواهد داد.وی با اشاره به روند مناسبات سیاسی و اقتصادی تهران و ایروان اظهار کرد: ارمنستان در سال‌های گذشته تلاش کرده است سیاست مستقل‌تری دنبال کند و در مقایسه با برخی کشورهای منطقه، محدودیت کمتری در تعاملات خود با ایران ایجاد کرده است؛ بنابراین مجموعه این عوامل ضرورت تبدیل تفاهم‌های موجود به قراردادهای اجرایی و استفاده جدی‌تر از ظرفیت کمیسیون‌های مشترک دو کشور را افزایش می‌دهد.

ضرورت رفع موانع زیرساختی و گمرکی در مرزها

این نماینده مجلس در پاسخ به پرسشی درباره چرایی استفاده محدود از ظرفیت ارمنستان در مقایسه با برخی مسیرهای دیگر منطقه گفت: سیاست ایران در قبال کشورهای همسایه باید بر حفظ و تقویت ارتباطات استوار باشد و حتی اگر در مناسبات با کشوری با محدودیت یا رفتار نامناسبی مواجه شدیم، نباید تعاملات خود را قطع یا کم‌رنگ کنیم.وی افزود: در عین حفظ ارتباط با همه همسایگان، کشورهایی که آمادگی بیشتری برای همکاری و تعامل با ایران دارند، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند؛ چراکه تقویت مناسبات با این کشورها می‌تواند برای هر دو طرف منافع اقتصادی به همراه داشته باشد.قادری با اشاره به محدودیت‌هایی که گاهی در مسیر تردد کامیون‌ها و مبادلات مرزی برخی کشورها ایجاد می‌شود، خاطرنشان کرد: شرایط سیاسی و اقتصادی همسایگان و ملاحظاتی که ممکن است در برابر فشارهای خارجی داشته باشند، بر مناسبات تجاری تأثیر می‌گذارد.

انرژی بادی فراساحلی جهان؛ هشت محور برای تسریع اجرا

بررسی موضوع انرژی باد فراساحلی به ایستگاه‌های پایانی رسیده است. پس از بررسی ابعاد گوناگون این انرژی در دنیا، این پرسش مطرح است که بهترین طرح اقدام که این صنعت را در جهان رشد بدهد و برای این نوع از انرژی تجدیدپذیر مسیری بهینه فراهم کند، چه طرح اقدامی است. شورای جهانی انرژی بادی، در گزارش سالانه 2026 خود یک «طرح اقدام پیشرو را حول هشت حوزه سازماندهی کرده، که هر کدام شامل اقدامات فوری و تصمیماتی است که سیاست‌گذاران باید همین حالا به آن‌ها بپردازند.» (GWEC 2026, p. 29). به نظر می‌رسد این اقدامات، بهترین رویکرد ارائه شده در این زمینه باشد.

+ گشایش پرونده «اقتصاد آبی» در خبرگزاری تسنیم
+ ضرورت ورود به انرژی باد فراساحلی
+ نگاه راهبردی جهان به انرژی باد فراساحلی
+ بازار جهانی بادهای فراساحلی در 2025
+ دهه انفجار ظرفیت انرژی باد فراساحلی جهان تا 2035
+ اروپا؛ زادگاه باد فراساحلی در دوراهی رکود و رهبری
+ استراتژی آینده چین در انرژی بادی

پیش از هرچیز باید توجه داشت که طرح اقدام هشت‌محوری شورای جهانی انرژی بادی را نمی‌توان فهرستی از توصیه‌های جدا از هم دانست؛ آنچه این طرح را از بسیاری از اسناد سیاستی مشابه متمایز می‌کند، منطق درونی و به‌هم‌پیوستگی این هشت محور است. هر محور، پاسخ به یک گلوگاه مشخص در زنجیره تبدیل «هدف سیاسی» به «پروژه عملیاتی» است. اگر این زنجیره را به‌صورت یک مسیر طراحی، مجوز، تأمین مالی، ساخت و بهره‌برداری تصور کنیم، هر یک از هشت محور، یکی از حلقه‌های ضعیف این زنجیره را نشانه گرفته است.

نکته مهم دیگر در این هشت توصیه، جابه‌جایی مرکز ثقل بحث از «فناوری» به «حکمرانی» است. در دهه گذشته، بسیاری از تحلیل‌ها و سیاست‌ها بر کاهش هزینه توربین، افزایش ظرفیت و پیشرفت فناوری متمرکز بودند. اما سند مزبور به‌وضوح نشان می‌دهد که در آستانه عبور از مرز 100 گیگاوات ظرفیت نصب‌شده جهانی، گلوگاه اصلی دیگر خود فناوری نیست؛ بلکه سرعت تصمیم‌گیری، ثبات سیاستی، ظرفیت نهادی برای هماهنگی بین‌بخشی و توانایی دولت‌ها در طراحی قراردادهای قابل بانک‌پذیری است. به بیان دیگر، صنعت بادی فراساحلی به بلوغ فناورانه رسیده است، اما چارچوب‌های حکمرانی و مالی هنوز عقب‌تر از آن حرکت می‌کنند. این طرح اقدام در واقع پاسخی به همین عدم‌تعادل است.

از منظر اجرایی نیز، این طرح یک پیام کلیدی برای سیاست‌گذاران دارد؛ اینکه نمی‌توان منتظر ماند تا همه شرایط ایده‌آل فراهم شود و سپس وارد عمل شد. تجربه بازارهای پیشرو نشان می‌دهد که بسیاری از گلوگاه‌ها (مانند مجوزدهی، اتصال شبکه و تأمین مالی) در جریان اجرای پروژه‌های نخستین قابل شناسایی و رفع تدریجی هستند. بنابراین، این رویکرد پیشنهادی، یک رویکرد «یادگیری با اجرا» است: تعریف پروژه‌های پیشتاز، تثبیت چارچوب قراردادی، و سپس مقیاس‌دهی تدریجی. این رویکرد به‌ویژه برای بازارهای نوظهور اهمیت دارد، زیرا به آن‌ها اجازه می‌دهد بدون انتظار برای تکمیل همه زیرساخت‌ها، نخستین گام‌ها را بردارند و در مسیر یادگیری نهادی و کاهش هزینه قرار بگیرند.

این هشت محور به قرار زیر است:

ماده 1: تسریع باد فراساحلی به عنوان زیرساخت حیاتی امنیت انرژی

دولت‌ها باید «باد فراساحلی و زیرساخت‌های پشتیبان آن (شبکه، ذخیره‌سازی و بنادر) را به عنوان «زیرساخت حیاتی امنیت ملی» طبقه‌بندی کنند.» (همان) این طبقه‌بندی، مزایای نظارتی زیر را به همراه دارد:

«تسریع فرآیندهای برنامه‌ریزی و مجوزدهی.

هماهنگی بین‌سازمانی اختصاصی.

اولویت در اتصال به شبکه.

واجد شرایط بودن برای تأمین مالی زیرساختی با پشتوانه سیاست.» (همان)

ماده 2: ایجاد مشارکت قوی‌تر با صنعت

دولت‌ها باید «گفتگوی شفاف و صادقانه با صنعت را بر اساس زمینه‌های واقعی کشور و خروجی‌های قابل تحویل انجام دهند.» (GWEC 2026, p. 30). این شامل توسعه و اجرای «برنامه‌های رشد ملی باد فراساحلی در مشارکت نزدیک با صنعت و انجمن‌های تجاری است.»(GWEC 2026, p. 30-31)

ماده 3: مقابله با اطلاعات نادرست و ایجاد اعتماد عمومی

دولت‌ها، صنعت و جامعه مدنی باید همکاری کنند تا «کمپین‌های اطلاعات نادرست را که اغلب توسط ذی‌نفعان صنایع سوخت فسیلی تأمین مالی می‌شوند، مقابله کنند.» (GWEC 2026, p. 31). این شامل «ایجاد اجماع سیاسی میان‌حزبی و ارتباط منافع ملموس باد فراساحلی به جوامع و خانوارها است.»

ماده 4: طراحی چارچوب‌های مناقصه قابل تحویل

دولت‌ها باید «از مناقصات کوتاه‌مدت متمرکز بر کمترین قیمت اسمی به چارچوب‌های بلندمدت طراحی‌شده برای قابلیت تحویل، قطعیت تقاضا و اطمینان زنجیره تأمین حرکت کنند.» (همان) این شامل موارد زیر است:«انتشار برنامه‌های مناقصه چندساله با حجم‌ها و زمان‌های از پیش اعلام‌شده.



اتخاذ سازوکارهای CfD برای متعادل کردن ریسک بین توسعه‌دهندگان و دولت‌ها.» (همان)

ماده 5: تسریع مجوزدهی

دولت‌ها باید «مجوزهای نظارتی را با ساده‌سازی فرآیندهای مجوزدهی و رضایت برای پروژه‌های باد فراساحلی و ذخیره‌سازی هم‌مکان تسریع کنند.» (GWEC 2026, p. 32) اقدامات اولویت‌دار شامل موارد زیر است :

«ایجاد مراجع مجوزدهی متمرکز.

تعیین و اجرای حداکثر زمان‌های تصمیم‌گیری برای مجوزها.

استقرار پلتفرم‌های مجوزدهی دیجیتال.» (همان)

ماده 6: تأمین مالی متحرک

دولت‌ها باید باد فراساحلی را به عنوان «دارایی زیرساختی رده 1» در چارچوب‌های سرمایه‌گذاری ملی و سیگنال‌های سیاستی طبقه‌بندی کنند.» (GWEC 2026, p. 33). این اقدام، ادراک سرمایه‌گذاران نهادی و خصوصی را از «شرطبندی ریسکی روی انرژی» به «سرمایه‌گذاری زیرساختی بلندمدت، متناسب با تورم و کم‌ریسک» تغییر می‌دهد.» (همان)

ماده 7: مقیاس‌دهی و تنوع بخشیدن به زنجیره‌های تأمین

دولت‌ها باید استراتژی‌های صنعتی قوی و ترتیبات بازار برای توسعه زنجیره تأمین ایجاد کنند که دید خط لوله بلندمدت ایجاد کند و سرمایه‌گذاری‌های لازم در تولید و ظرفیت نیروی کار را ترویج دهد.» (همان)

ماده 8: حرکت به سمت برق‌رسانی

برای باقی ماندن در مسیر سازگار با 1.5 درجه سانتی‌گراد، برق‌رسانی باید 35درصد از کل مصرف نهایی انرژی جهانی تا سال 2035 را تشکیل دهد.» (همان). اقدامات اولویت‌دار شامل موارد زیر است :

توسعه استراتژی‌های برق‌رسانی ملی که فراتر از بخش برق به حمل‌ونقل، گرمایش و صنعت گسترش یابد.



پرس‌تی‌وی از اینستاگرام حذف شد

در پی مسدودسازی حساب رسمی شبکه بین‌المللی پرس‌تی‌وی در اینستاگرام توسط شرکت متا، مدیر شبکه‌های اجتماعی این رسانه این اقدام را نمونه‌ای از سانسور رسانه‌ای و محدودسازی صدای مخالف روایت‌های جریان اصلی غرب دانست و از راهکارهای این شبکه برای تداوم ارتباط با مخاطبان بین‌المللی سخن گفت.

مسدودسازی بدون اخطار؛ پرس‌تی‌وی چه می‌گوید؟

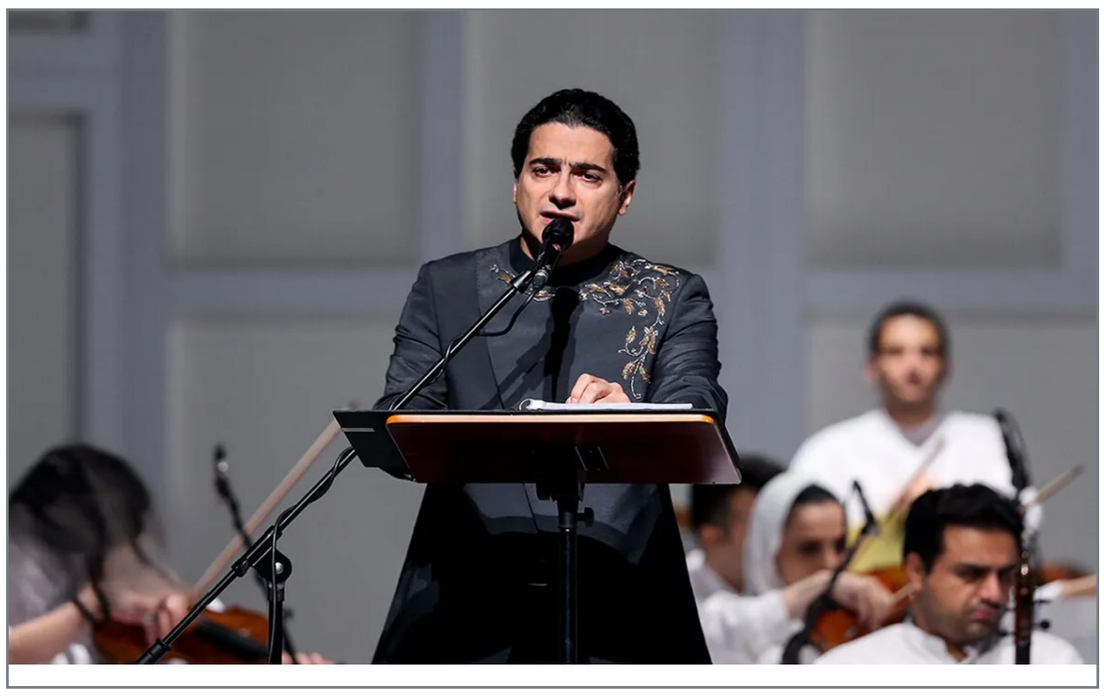
احسان فتاحی، مدیر شبکه‌های اجتماعی پرس‌تی‌وی، با اشاره به مسدودشدن صفحه این شبکه در اینستاگرام گفت: حساب رسمی پرس‌تی‌وی با بیش از 292 هزار دنبال‌کننده فعال و بین‌المللی، بدون هیچ‌گونه هشدار قبلی و بدون اعلام مصداق مشخصی از نقض قوانین اینستاگرام از دسترس خارج شده است.او این اقدام را فراتر از یک تصمیم فنی یا تنظیم‌گرانه دانست و با تعبیر «ترور نوین رسانه‌ای» درباره آن اظهار کرد: زمان‌بندی این اتفاق نیز معنادار است؛ چراکه در بحبوحه افزایش تهدیدها و فضاسازی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت، صدای رسانه‌هایی که روایت متفاوتی از تحولات منطقه ارائه می‌کنند، با محدودیت مواجه می‌شود.فتاحی معتقد است شرکت متا با چنین اقداماتی، عملاً پلتفرم‌های خود را در مسیر راهبردهای رسانه‌ای واشنگتن و تل‌آویو قرار می‌دهد.

آزادی بیان در شبکه‌های اجتماعی آمریکایی زیر سؤال است؟

مدیر شبکه‌های اجتماعی پرس‌تی‌وی با انتقاد از آنچه تناقض میان ادعای آزادی بیان و عملکرد پلتفرم‌های آمریکایی خواند، گفت: آنچه در این شبکه‌ها اتفاق می‌افتد، نوعی سانسور الگوریتمی است. هرگاه رسانه‌ای روایت غالب غرب از تحولات منطقه، جنگ غزه، اقدامات رژیم صهیونیستی و تحولات ایران را به چالش بکشد، با محدودیت یا حذف مواجه می‌شود.

او با اشاره به اینکه صفحه پرس‌تی‌وی به گفته این شبکه، ضوابط اعلامی متا را رعایت می‌کرد، افزود: این اتفاق نشان می‌دهد ادعای حمایت از آزادی بیان در این پلتفرم‌ها با محدودیت‌های جدی همراه است. رسانه‌ها تا زمانی امکان فعالیت دارند که محتوایشان با روایت مورد قبول گردانندگان این پلتفرم‌ها تعارض پیدا نکند.فتاحی همچنین تأکید کرد که حذف حساب‌های رسانه‌ای و محدودکردن دسترسی آنها، پرسش‌هایی جدی درباره معیارهای نظارت بر محتوا و نحوه اجرای قوانین در شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌کند.

آیا کنسرت همایون شجریان ارزش داشت؟



کنسرت‌های بسیاری در طول سال روی صحنه می‌روند؛ گاهی تعداد این اجراها به صدها مورد هم می‌رسد. با این حال، کمتر اجرایی پیدا می‌شود که ارزش وقت گذاشتن، هزینه کردن، رفتن، دیدن و شنیدن داشته باشد. تصور کنید برای تماشای یک کنسرت بخواهید راهی شهری دیگر شوید؛ سختی مسیر و سفر را به جان بخرید و دل به جاده بزنید. در چنین شرایطی، مهم‌ترین پرسش این است: آیا این کنسرت ارزش چنین کاری را دارد؟

رسیدن به پاسخ این پرسش، راهی جز رفتن و تجربه کردن ندارد؛ باید دل به مسیر سپرد تا شاید بتوان به پاسخی قطعی رسید. ما هم دل به جاده زدیم تا از تهران راهی اصفهان شویم و کنسرت همایون شجریان را در آنجا ببینیم.

روز ـ خارجی ـ خیابانی در تهران

هوا نم‌نم بارانی است. قطره‌های باران روی شیشه ماشین می‌نشینند و شهر انگار روح تازه‌ای گرفته است. خیابان‌ها هنوز آن‌قدرها شلوغ نشده‌اند و ترافیک روان است. ساعت از یک ظهر گذشته و ما تهران را به مقصد اصفهان ترک می‌کنیم.

آسمان تهران هم با نم باران، ما را بدرقه می‌کند.

روز ـ خارجی ـ آزادراه قم - اصفهان

هواشناسی برای آخر هفته و روزهای پنجشنبه و جمعه (14 و 15 آبان) بارندگی پیش‌بینی کرده است. شاید به همین دلیل باشد که آسمان در تمام مسیر تهران تا اصفهان ابری است. گاهی نم بارانی می‌بارد و گاهی هم همه‌چیز خشک و تشنه اندکی باران است.

در مسیر، «مهر و ماه» را برای استراحتی کوتاه انتخاب می‌کنیم. آنجا مثل همیشه شلوغ است و مسافران زیادی توقف کرده‌اند. همیشه وقتی به «مهر و ماه» می‌روم، به سازندگان این مجموعه آفرین می‌گویم؛ چراکه در چنین مسیر مهمی، مجموعه‌ای مجهز و به‌روز ساخته‌اند.هرچه به اصفهان نزدیک‌تر می‌شویم، محل برگزاری کنسرت همایون شجریان را از روی نقشه و با کمک مسیریاب پیدا می‌کنیم.

شب ـ خارجی ـ مسیر منتهی به سالن ورزشی نقش جهان اصفهان

سالن خارج از شهر قرار دارد. از دور، ساختمان ورزشگاه پیداست. در کنار آن، گرد و خاکی از زمین برخاسته که در نگاه اول آدم را نگران می‌کند. اما هرچه نزدیک‌تر می‌شویم، معلوم می‌شود این گرد و خاک از محلی بلند شده که برای پارک خودروها در نظر گرفته‌اند. زمین آنجا خاکی است و همین مسئله گرد و خاک زیادی به پا کرده است.

شب ـ خارجی ـ محوطه بیرونی ورزشگاه نقش جهان

گیت‌های کنترل بلیت در همان ابتدای ورودی قرار دارند. مخاطبان آرام‌آرام وارد محوطه می‌شوند. راهنمایان به تعداد کافی در مسیر حضور دارند تا مخاطبان را تا محل ردیف و صندلی‌شان هدایت کنند.

شب ـ خارجی ـ ورزشگاه نقش جهان ـ پیش از ورود

جایی در میان جمعیت می‌ایستم تا پیش از آغاز اجرا، با دیدگاه مخاطبان کنسرت همایون شجریان آشنا شوم.مردی حدود چهل‌ساله: آهنگ «دل به دل» را بیشتر از همه دوست دارم و امیدوارم امشب این آهنگ را بخواند. اجرای همایون اتفاق خوبی است و حس و حال خوبی به ما منتقل می‌کند. با حال خوب به خانه برمی‌گردیم. از ایشان تشکر می‌کنم که برای اجرا به اصفهان آمده است.

زوجی میانسال: اولین بار است که به کنسرت همایون می‌آییم. همه آهنگ‌هایش خوب هستند، اما آهنگ سریال «می‌خواهم زنده بمانم» را بیشتر دوست دارم. «با من صنما» هم آهنگ خیلی خوبی است. اصلاً نمی‌شود از آقای شجریان انتقاد کرد. نحوه برگزاری کنسرت هم عالی است. قیمت بلیت هم با توجه به نام و جایگاه ایشان حتماً مناسب است.

اهدای ۱۰۰ قفسه کتاب به کتابخانه‌های کم‌برخوردار



سی‌وچهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «با کتاب گفت‌وگو کنیم» از ۲۳ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۵ برگزار می‌شود و کانون پرورش فکری با اجرای پویش‌های کتاب‌خوانی، برنامه‌های ادبی، اهدای کتاب، نشست‌های تخصصی و نمایش رایگان آثار نمایشی و سینمایی در این رویداد فرهنگی مشارکت دارد.

پویش‌های کتاب‌خوانی و برنامه‌های فرهنگی

یکی از برنامه‌های کانون، پویش «اگر کتاب‌ها نبودند...» است که با مشارکت اعضای کانون‌یار در قالب قصه‌گویی و پادکست برگزار می‌شود. در این پویش، کودکان و نوجوانان جهانی بدون کتاب را تصور می‌کنند و برداشت‌های خود را در قالب‌های خلاقانه روایت می‌کنند. این برنامه تا ۹ آذر در مراکز کانون سراسر کشور ادامه دارد.همچنین برنامه «سفر کتاب» از ۲۴ آبان تا اول آذر در استان لرستان برگزار می‌شود. در این برنامه، کتاب‌های حسی‌لمسی ویژه کودکان و نوجوانان با آسیب بینایی به نمایش گذاشته می‌شود و مخاطبان در قالب نمایشگاه و کارگاه با این آثار آشنا می‌شوند.معرفی و تقدیر از کتاب‌خوانان برتر مراکز کانون در سراسر کشور و برگزاری مسابقه «در پناه کتاب» با محوریت ایده‌های خلاق معرفی کتاب نیز از دیگر برنامه‌های معاونت فرهنگی است. مسابقه «در پناه کتاب» با مشارکت مروجان کتاب طرح یاسمن و مربیان مراکز سیار روستایی و شهری برگزار می‌شود و برگزیدگان آن پس از داوری استانی و کشوری در ایام دهه فجر معرفی و تجلیل خواهند شد.

اهدای ۱۰۰ قفسه کتاب به مدارس کم‌برخوردار

در هفته کتاب، کانون ۱۰۰ قفسه کتاب به مدارس مناطق محروم و کم‌برخوردار استان هرمزگان، از جمله میناب، اهدا می‌کند. برای هر قفسه بین ۶۰ تا ۱۰۰ عنوان کتاب متناسب با گروه سنی دانش‌آموزان پایه اول تا چهارم ابتدایی در نظر گرفته شده است.

همچنین مراکز فرهنگی‌هنری برتر کانون در طرح «مرکز + ستاره» که بر اساس عملکرد تابستان ۱۴۰۵ ارزیابی شده‌اند، در جشن ویژه کتاب‌خوانی معرفی خواهند شد.پویش ملی «۴ کتاب، ۴ فصل» با هدف تقویت ارتباط خانواده با کتاب و ایجاد فرصت گفت‌وگوی میان‌نسلی و فعالیت انجمن‌های کتاب‌خوانی در مراکز کانون سراسر کشور نیز از دیگر برنامه‌های کتاب‌محور کانون به شمار می‌رود.

برگزاری نشست‌های ادبی و تخصصی

برنامه ادبی «دو پنجره» با محوریت نقد و بررسی کتاب در حضور نویسندگان، در آبان و آذر برگزار می‌شود. امسال بخش داستان این برنامه به صورت مجازی برگزار خواهد شد و چهار کتاب داستان و رمان از چهار نویسنده مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

همچنین ششمین جشنواره ملی شعر کودک و همایش ملی شاعران کودک با مشارکت معاونت فرهنگی کانون و شهرداری شاهین‌شهر از ۲۶ تا ۲۸ آبان برگزار می‌شود.

آموزش و پژوهش کانون نیز روز ۲۷ آبان نشست تخصصی «نقش کانون در سواد خواندن» را در سامانه مجازی کانون و سکوی شاد برگزار می‌کند. بررسی کتاب «تربیت کودک در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای» و تولید محتوای تصویری از مجموعه ۴۰جلدی «رمانه» از دیگر فعالیت‌های پیش‌بینی‌شده این بخش است.

اکران رایگان فیلم‌تئاترهای اقتباسی کانون



موج تازه تحریم فرهنگی اسرائیل در سینما

صدها بازیگر، کارگردان و فعال سینما با امضای تعهدنامه‌ای بین‌المللی اعلام کرده‌اند که دیگر با نهادهای سینمایی اسرائیل که به‌گفته آنان در «نسل‌کشی و آپارتاید علیه مردم فلسطین» دخیل هستند، همکاری نخواهند کرد.

به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم؛ این تعهدنامه که با عنوان «کارکنان سینما برای فلسطین» منتشر شده، تاکنون به امضای بیش از ۱۲۰۰ نفر رسیده است؛ از جمله نام‌های مطرحی چون یورگوس لانتیموس، آوا دوورنی، آسیف کاپادیا، جاشوا اوپنهایمر، بوتس رایلی، اولیویا کولمن، مارک رافالو، تیلدا سوینتن، خاویر باردم، ریز احمد و جولی کریستی.

در متن این تعهد آمده است: «ما به‌عنوان فیلمساز، بازیگر و فعال سینما، قدرت سینما را در شکل‌دهی به افکار عمومی می‌شناسیم. در این لحظه بحرانی، که بسیاری از دولت‌های ما حامی کشتار در غزه هستند، باید هر کاری در توان داریم برای مقابله با این فاجعه بی‌پایان انجام دهیم.»

امضاکنندگان تعهد داده‌اند که فیلم‌های خود را در جشنواره‌ها، سالن‌های نمایش یا شرکت‌های پخش و تولیدی که با دولت اسرائیل همکاری می‌کنند، ارائه نکنند. در بیانیه آمده است: «همکاری با نهادهایی که نسل‌کشی یا آپارتاید را سفیدشویی و توجیه می‌کنند، شکلی از همدستی است.»

این حرکت الهام‌گرفته از تحریم فرهنگی علیه رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در دهه ۱۹۸۰ است و به‌ویژه جشنواره‌های بزرگی چون اورشلیم، حیفا، داکاویو و TLVFest را هدف گرفته است که به‌طور مستقیم با دولت اسرائیل همکاری دارند.

در واکنش، «انجمن تهیه‌کنندگان اسرائیل» این اقدام را «گمراه‌کننده» خواند و مدعی شد که بسیاری از هنرمندان اسرائیلی خود صداهای انتقادی علیه سیاست‌های دولت هستند. این انجمن در بیانیه‌ای نوشت: «این بایکوت دقیقاً کسانی را هدف گرفته است که برای گفت‌وگو، صلح و بازتاب روایت‌های متنوع تلاش می‌کنند.»کارزار جدید بخشی از موج گسترده‌تر اعتراضات هنرمندان جهانی به جنگ غزه است، پیش‌تر چهره‌هایی چون واکین فینیکس، پدرو پاسکال، گی‌یرمو دل تورو و رالف فاینز نیز در نامه‌ای سرگشاده سکوت صنعت سینما در قبال کشتار غزه را محکوم کرده بودند. این تعهدنامه توسط گروه «کارکنان سینما برای فلسطین» منتشر شد. دیوید فَر (فیلمنامه‌نویس) که از امضاکنندگان است، در بیانیه‌ای گفت: «به‌عنوان نواده بازماندگان هولوکاست، از اقدامات دولت اسرائیل که دهه‌هاست یک نظام آپارتاید را علیه مردم فلسطینی که زمین‌هایشان را غصب کرده و تحمیل کرده است و اکنون در غزه دست به نسل‌کشی و پاکسازی قومی می‌زند، آزرده و خشمگین هستم، در این شرایط نمی‌توانم بپذیرم که کارم در اسرائیل منتشر یا اجرا شود. بایکوت فرهنگی در آفریقای جنوبی تأثیرگذار بود، این بار هم تأثیرگذار خواهد بود و به‌باور من باید توسط همه هنرمندان با وجدان حمایت شود.»

یک بخش پرسش و پاسخ همراه با این تعهدنامه توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان تعیین کرد کدام نهادهای سینمایی دخیل هستند و بیان می‌کند: «جشنواره‌های اصلی فیلم اسرائیل (از جمله اما نه محدود به جشنواره فیلم اورشلیم، جشنواره بین‌المللی فیلم حیفا، داکاویو و TLVFest) همچنان با دولت اسرائیل همکاری می‌کنند در حالی که کارشناسان برجسته آنچه را علیه فلسطینیان در غزه می‌گذرد به‌عنوان نسل‌کشی تعریف کرده‌اند. اکثریت قاطع شرکت‌های تولید و پخش فیلم اسرائیلی، نمایندگان فروش، سالن‌های سینما و دیگر نهادهای سینمایی، هرگز از حقوق کامل و شناخته‌شده بین‌المللی مردم فلسطین حمایت نکرده‌اند.»

این اقدام یکی از برجسته‌ترین تلاش‌های بایکوت فرهنگی علیه اسرائیل از زمان آغاز حملات به غزه به‌شمار می‌رود و نزدیک به یک سال پس از آن منتشر می‌شود که بیش از ۱۰۰۰ نویسنده تعهد مشابهی را امضا کردند. این حرکت یادآور «فیلمسازان متحد علیه آپارتاید» در سال ۱۹۸۷ است؛ ابتکاری که توسط جاناتان دمی، مارتین اسکورسیزی و دیگر فیلمسازان سرشناس بنیان گذاشته شد و از نمایش فیلم‌هایشان در آفریقای جنوبی دوران آپارتاید خودداری کردند. این کمپین تازه در حالی آغاز شده است که شمار ابتکارات اعتراضی در صنعت سرگرمی علیه جنگ اسرائیل در غزه رو به افزایش است. اوایل تابستان امسال، صدها بازیگر و فیلمساز ــ از جمله واکین فینیکس، پدرو پاسکال، رالف فاینز و کارگردان گی‌یرمو دل تورو ــ نامه‌ای سرگشاده امضا کردند که در آن سکوت صنعت سینما در برابر کارزار مرگبار نظامی اسرائیل در غزه را محکوم می‌کرد.بسیاری از همان افرادی که تعهدنامه جدید را امضا کرده‌اند، سال گذشته میان صدها عضو انجمن بازیگران آمریکا بودند که از رهبری اتحادیه خواستند اعضا را در برابر خطر «لیست‌سیاه شدن» به‌خاطر دیدگاه‌هایشان درباره فلسطین محافظت کند، اخیراً نیز انجمن بازیگران نروژ به اعضای خود توصیه کرد با برخی نهادهای فرهنگی اسرائیلی همکاری نکنند. این تعهدنامه هفته گذشته همزمان با نمایش فیلم «صدای هند رجب» در جشنواره ونیز منتشر شد ــ فیلمی درباره دختر پنج‌ساله‌ای که سال گذشته به‌دست نیروهای اسرائیلی در غزه کشته شد ــ که با نمایش آن ۲۳ دقیقه ایستاده توسط حاضران تشویق شد. برد پیت، جاناتان گلیزر، واکین فینیکس، رونی مارا و آلفونسو کوارون از جمله تهیه‌کنندگان اجرایی این فیلم هستند.

«والدین هلیکوپتری» استقلال و تاب‌آوری کودکان را نابود می‌کنند



در دنیای پرهیاهوی امروز که مرزهای ارتباطی کودکان با رسانه‌ها و بازی‌های دیجیتال در هم آمیخته است، مواجهه با درگیری‌ها و اختلاف‌نظرهای بچه‌ها در مدرسه و خانه، به یکی از دغدغه‌های اصلی والدین و معلمان تبدیل شده است. بسیاری از ما با دیدن کوچک‌ترین تعارض یا دعوایی میان کودکان، نگران می‌شویم و ناخودآگاه با مداخله‌های افراطی یا سرزنش، تلاش می‌کنیم آتش ماجرا را خاموش کنیم. اما آیا تا به حال از خود پرسیده‌ایم که آیا این دعواها همیشه نشانه‌ای از یک بحران‌اند، یا شاید فرصت‌هایی طلایی برای تمرین زندگی اجتماعی و یادگیری مهارت‌های حل مسئله‌اند؟ واقعیت این است که رشد اجتماعی کودک در بستر همین اصطکاک‌ها شکل می‌گیرد؛ به شرط آنکه بدانیم کجا باید حامیانه بایستیم، کی اجازه دهیم خودشان راه‌حل را پیدا کنند و چگونه به جای مچ‌گیری و مقصرتراشی، مهارت‌های زیستن را به نسل جدید بیاموزیم از همین رو با سحر قناعتی ملکی روانشناس و مدرس دانشگاه در گفتگو با تسنیم به ابعاد مختلف این موضوع پرداخت.

کجا باید مرز میان یک شوخی ساده یا چالش طبیعی کودکانه را با رفتارهای آسیب‌زا و نگران‌کننده تشخیص دهیم؟

قناعتی: ما اول باید این را قبول بکنیم که بازی، شوخی یا حتی حالت رقابتی که بین بچه‌ها پیش می‌آید یا حتی اختلاف‌نظرشان، یک‌قسمتی از رشد اجتماعی کودک و طبیعی است. حالا بچه در مدرسه فقط برای این نمی‌رود که خواندن و نوشتن یاد بگیرد؛ باید این را قبول بکنیم که دارد می‌رود زندگی اجتماعی را هم یاد بگیرد؛ اینکه حالا چطور بازی بکند، یا مثلاً نوبتش شد چطور نوبت را رعایت بکند، وقتی نبرد این را چه جوری بتواند خودش مدیریت بکند، یا اینکه اگر با شکستی روبه‌رو شد چطور آن را تحمل بکند، وقتی عصبانی شد چطور این مدیریت خشم را داشته باشد، بعد که مثلاً بحث شد با یکی سر یک قضیه‌ای، چه جوری دوباره به رابطه دوستی‌اش برگردد.همه این موارد یک‌قسمتی از تربیت است؛ پس اول باید بدانیم که وقتی یک دعوایی را بین کودکان می‌بینیم، لزوماً به این معنی نیست که حتماً یک مشکل خیلی جدی وجود دارد. حالا مسئله و مشکل آن زمانی جدی می‌شود که این تعارض‌ها، مشکل‌ها و دعواها خیلی تکرارشونده باشد، شدید باشد، یک زورگویی در آن باشد، یا اینکه به یکی از طرفین آسیبی برسد، یا اینکه کودکی همیشه مثلاً به او حمله می‌شود و در نقش قربانی است، یا یکی از بچه‌ها مدام دارد بقیه را اذیت می‌کند. این موقعیت تکرارشونده اگر باشد، خب این نگران‌کننده است و باید حتماً مداخله جدی انجام شود.

آیا واقعاً نسل جدید کودکان خشن‌تر شده‌اند، یا ریشه پرخاشگری‌های آن‌ها را باید در شکاف میان جهان پرشتاب دیجیتال، بازی‌های آنلاین و الگوهای ارتباطی امروز با فرصت‌های کم‌رنگ‌شده گفتگو در دنیای واقعی جستجو کرد؟

قناعتی: نوع تربیت بچه‌ها و آن آستانه تحمل‌شان هم هست که شدت این ناراحتی را شاید تغییر بدهد؛ دیگر بعضاً برای یکی‌شان یک شوخی ساده حساب می‌آید، برای آن یکی بچه با توجه به بافت تربیتی و جو تربیتی که داشته، توهین حساب شود یا اینکه حس بکند تهدید شده است. این فرق بین آستانه تحمل افراد به اضافه آن مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی دارد. خلق‌وخوی بچه‌ها با هم فرق دارد؛ آن تجربه‌های قبلی که بچه‌ها با هم داشتند، یک‌هو ممکن است که یک چیز ساده را تبدیل به یک، مثلاً مشکل بکند.نسل جدید معمولاً در یک محیطی بزرگ می‌شود که نسبت به گذشته، خوب، پیچیدگی‌اش بیشتر است. از یک طرف بچه‌ها در معرض یک سری اطلاعات خیلی زیاد هستند، شبکه‌های اجتماعی را دارند می‌بینند، بازی‌های دیجیتال را انجام می‌دهند، با یک سری الگوهای جدید ارتباطی مواجه‌اند؛ از یک طرف هم خانواده‌ها فرصت نمی‌دهند که بچه‌ها به صورت مستقل این تعارض‌های روزمره‌شان را کمتر بکنند و این تفاوت و این فاصله باعث می‌شود که فکر بکنیم بچه‌ها خشن‌تر شده‌اند حالا دعواشان بیشتر شده و این‌ها؛ اما در حقیقت مسئله در فاصله بسیار زیاد این دو مورد هستش. و این را هم باید دقت بکنید که بچه‌ها فقط این‌جوری نیست که ما امر بکنیم و این‌ها اجرا بکنند و در حقیقت با توصیه مستقیم پدر و مادر تربیت نمی‌شوند؛ بچه‌ها رفتار بزرگسالان و همسالان‌شان را نگاه می‌کنند و الگوبرداری می‌کنند.

عامل اصلی ضعف مهارت‌های ارتباطی کودکان چیست؟

اگر حالا بچه توی خانواده یا توی رسانه مرتب ببیند که هی همه اختلاف‌نظرها با داد زدن و تحقیر و تهدید و نمی‌دانم زدن و قهر و این‌ها حل می‌شود، احتمال خیلی زیادی دارد که همین الگو را توی روابط خودش با دوستانش هم دوباره بازتولید بکند. از طرف دیگر چون بچه‌ها بازی‌های رقابتی دیجیتال را زیاد انجام می‌دهند، توی این‌ها برد و باخت و واکنش فوری و سریع اتفاق می‌افتد دیگر و بچه فرصت کافی را ندارد برای اینکه بتواند آن مهارت‌های گفتگویی و حل تعارض و عرض مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی‌اش را توی، مثل جامعه حضوری و گروه‌های مختلف و این‌ها چون امکان حضور ندارد و بیشتر در بازی‌های دیجیتال است، این مهارت را در حقیقت در دنیای واقعی‌اش به دست نمی‌آورد.مرز میان «دخالت حمایتی» برای رشد مهارت حل‌مسئله و «مداخله افراطی» که استقلال کودک را از بین می‌برد کجاست، و چرا بزرگسالان نباید به جای کودک به حل مسئله بپردازند؟

قناعتی: نظریه‌پردازان حوزه تربیتی هم خیلی‌هایشان به بحث تعامل با دیگران یا یادگیری اجتماعی توجه داشتند؛ مثلاً ویگوتسکی که یکی از نظریه‌پردازان مهم حوزه تربیتی هستش، یکی از مهم‌ترین پایه‌های رشد شناختی اجتماعی کودک را در آن مهارت تعامل با همسالان و بزرگسالانش می‌داند و این تعارض‌های کوچک را در حقیقت یک فرصتی برای یادگیری می‌داند. کودک وقتی که در موقعیت عدم تعادل قرار می‌گیرد، عدم تعادل شناختی قرار می‌گیرد، سعی می‌کند که هرچه زودتر به آن حالت تعادل نزدیک بشود و این تلاش برای رسیدن، خودش یک رشدی را دارد. و حتی بحث نقش مشاهده اجتماعی را که بندورا هم مطرح می‌کند، همان‌طور که بالاترم گفتم، اینکه بچه نگاه می‌کند به الگوهای حل تعارضی که در اطرافیانش هست، از آن‌ها الگوبرداری می‌کند.در روش‌های جدید تربیتی هم به جای اینکه ما به بچه‌ها بگیم که دعوا نکن، سعی می‌کنیم به بچه‌ها کمک بکنیم که مهارت حل‌مسئله‌شان برود بالا، مهارت گفت‌وگویشان، مهارت حل‌مسئله‌شان، مهارت تنظیم هیجانشان برود بالا. حالا شاید این سؤال پیش بیاید که خب پس چه‌کار بکنیم؟ بچه‌ها را بگذاریم که خودشان دعواشان را حل بکنند؟ باید بگیم که نه، این‌جوری هم نیست که بگیم ما کلاً کنار برویم و بچه‌ها بیایند و خودشان مشکلاتشان را حل بکنند؛ یعنی باید فرق بزنیم بین دخالتی که حالت حمایتی دارد و بحث مداخله‌ای که حالت افراطی دارد.وقتی که می‌بینیم مثلاً بچه‌ها سر یک بازی با هم اختلاف پیدا کردند و خطری وجود ندارد، بهتر است که اول یک فرصتی بدهیم که این بچه‌ها ببینیم مسئله‌شان را خودشان می‌توانند حل بکنند؛ اما اگر دیدیم که مثلاً یک کتک‌کاری شد یا احیانا یک تهدیدی شد، یکی از بچه‌ها مثلا آسیب روحی یا جسمی می‌بیند، تحقیری می‌شود و این‌ها، حتماً باید بزرگسالان یا والدین و مدرسه تو این قضیه ورود پیدا کنند.

دوربین‌ها به کلاس درس می‌آیند



علیرضا کربلایی عضو شورای عالی آموزش‌وپرورش درباره تغییرات آیین‌نامه اجرایی مدارس و پیش‌بینی نصب دوربین مداربسته در کلاس‌های درس اظهار کرد: در آیین‌نامه جدید این موضوع پیش‌بینی شده است که با تصویب شورای مدرسه امکان نصب دوربین در کلاس درس وجود داشته باشد و تصمیم‌گیری در این زمینه به مدرسه واگذار شده است.

وی با بیان اینکه در حال حاضر برخی مدارس به دوربین مداربسته مجهز هستند، افزود: تاکنون استفاده از دوربین‌ها بیشتر در فضاهایی مانند راهروها و حیاط مدارس انجام می‌شد اما در آیین‌نامه جدید موضوع نصب دوربین در کلاس درس نیز مورد توجه قرار گرفته است.

کربلایی با اشاره به نقش دوربین‌ها در رسیدگی به مسائل و مشکلات احتمالی مدارس گفت: وجود دوربین می‌تواند به روشن‌شدن بسیاری از سوءتفاهم‌ها و مشکلاتی که در جریان کلاس درس اتفاق می‌افتد، کمک کند. همچنین در موضوعاتی مانند تنبیه بدنی دانش‌آموزان تصاویر ضبط‌شده می‌تواند در شناسایی و بررسی اتفاقات مؤثر باشد.

عضو شورای عالی آموزش‌وپرورش نصب دوربین در کلاس‌های درس را گامی در راستای افزایش امنیت دانش‌آموزان و پیشگیری از حوادث و اتفاقات غیرمترقبه دانست و بر ضرورت توجه به این موضوع در مدیریت فضای آموزشی تأکید کرد.

وی همچنین درباره ضرورت تجهیز محل‌های برگزاری امتحانات نهایی به دوربین‌های مداربسته گفت: محل‌های برگزاری امتحانات نهایی باید در تمام بخش‌ها به دوربین مجهز باشند.

اختیارات بیشتر مدارس در آیین‌نامه جدید

کربلایی با اشاره به رویکرد کلی اصلاح آیین‌نامه اجرایی مدارس بیان کرد: این آیین‌نامه با هدف تقویت جایگاه شورای مدرسه و رسمیت‌بخشیدن بیشتر به نقش آن در اداره امور داخلی مدارس تدوین شده است.وی ادامه داد: در ساختار جدید شورای تربیتی نیز به‌عنوان زیرمجموعه شورای مدرسه پیش‌بینی شده است و تلاش شده با تقویت این دو بخش تصمیم‌گیری درباره مسائل داخلی مدرسه بیشتر به خود مدارس واگذار شود.عضو شورای عالی آموزش‌وپرورش با اشاره به کاهش محدودیت‌های اداری مدارس اظهار کرد: در برخی تصمیم‌گیری‌های مالی نیز تا حدودی اختیارات بیشتری به مدارس داده شده است تا مدیران و شوراهای مدرسه بتوانند امور داخلی را با آزادی عمل بیشتری مدیریت کنند و از بروکراسی اداری گذشته کاسته شود.



خسارت خاموش شوهای دیتینگ

برخی دختران بلند پرواز، به دنبال شاهزاده‌ای با اسب سفید بودند تا شبیه سیندرلا یا دیگر شاهزاده‌های دیزنی، به سراغشان بیاید و برایشان در قصری بزرگ و جذاب جشنی بزرگ برگزار کند. حالا اما چه دخترها و چه پسرها فهرست بلند بالایی از ویژگی‌هایی برای شریک زندگی‌شان ردیف می‌کنند که اگر یکی از این ویژگی‌ها هم در طرف مقابل وجود نداشته باشد، فرد مورد نظر«کنسل است»! این فرهنگ کنسل شدن پسرهای قد کوتاه یا دخترهای ساکن فلان منطقه به پایین! یا در نظر گرفتن معیارهایی همچون مدل ماشین و شغل و تک فرزندی اگرچه در فرهنگ عامه مردم راه یافته بود، اما برخی برنامه‌ها و شوهای اینستاگرامی و یوتوبی، تغییر ذائقه‌ای را در جامعه رقم‌زده که می‌تواند ازدواج نسل Z که مخاطبان اصلی این برنامه‌ها هستند و جوانان دم بخت امروزی محسوب می‌شوند را با چالش‌های جدی مواجه کند و آن‌ها را به انتخاب‌هایی بکشاند که ممکن است خیلی زود از آن پشیمان شوند! اما معیارهای درست ازدواج و هم کفوی چیست و برای داشتن یک ازدواج موفق و زندگی پایدار، به جز قد و وزن و مدل ماشین، چه چیزهایی را باید مد نظر قرار داد؟

اگر پای صحبت مادربزرگ و پدر بزرگ بنشینید حتماً با این دعای خیرشان مواجه شده‌اید که « الهی هم کفوت نصیب تو شود. » اما این هم کفوی در ازدواج چیست و به چه معناست و چرا یکی از مهم‌ترین معیارهای ازدواج همین هم کفو بودن است؟ فاصله از خیال پردازی و کمالگرایی

حجت الاسلام روح الله دوستی مشاور و کارشناس خانواده و ازدواج درباره معیارهای انتخاب در ازدواج و بایدها و نبایدهای آن تأکید می‌کند: « در امر ازدواج باید از خیالپردازی و کمالگرایی فاصله بگیریم. » وی با اشاره به آسیب‌هایی که بلاگرها و فضای مجازی به معیارهای واقعی ازدواج و زندگی مشترک زده‌اند ادامه می‌دهد: « زندگی تنها استوری گذاشتن و خاطره خوب داشتن نیست. ازدواج بنایش بر رشد طرفین است؛ اینکه بتوانیم طرف مقابل را درک کنیم، از خودگذشتگی کنیم، احساسمان را به اشتراک بگذاریم، حال خوبمان را به اشتراک بگذاریم، در سختی‌ها کمک کار هم باشیم و همدیگر را به سوی یک آرمان الهی سوق دهیم نه صرفاً اینکه کنار هم خوش باشیم. »دوستی با اشاره به اینکه زن و مرد باید فضای رشد یکدیگر را فراهم کنند می‌افزاید: « این رشد هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ معنوی است. »از نگاه این مشاور خانواده معیارهایی که امروز پیش پای جوانان ما افتاده، معمولاً در همین حال وهواها و فضاهای رمانتیک عاشقانه با دوز بالاست. لذا می‌بینید بعد از مدتی می‌خواهند از زندگی فرار کنند. وی تصریح می‌کند: « نسل امروز دنبال «زندگی کردن» است، نه «زندگی ساختن»؛ در صورتی که زندگی یعنی ساختن. همین است که باعث می‌شود انسان رشد کند. »

چالش‌های تغییر ذائقه

با عنایت به ضریب نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، همه ما کم و بیش با بلاگرهای حوزه سبک زندگی و یا برنامه‌های ازدواج و دیت در یوتیوپ و اینستاگرام آشنایی داریم. محتواهایی که هر کدامشان به نوعی در ذائقه‌سازی غلط و به انحراف کشاندن معیارهای ازدواج در نسل جوان مقصرند.دوستی هم معتقد است فضای مجازی امروز دو رویکرد پیدا کرده است. رویکرد اول، انسان‌هایی هستند که به هر طریقی در زندگیشان شکست خورده‌اند طرف مقابلشان خیانت کرده یا تنهایشان گذاشته و این‌ها بلندگو به دست شده‌اند و کل فضای ازدواج را سیاه نمایی می‌کنند. این یک اتفاق وحشتناک است که در حوزه ازدواج دارد رخ می‌دهد. از سوی دیگر برخی افراد و گروه‌ها، با تولید محتوایشان ذائقه نسل جوان ما را عوض می‌کنند و معیارهای انتخاب و ازدواج را به مسائل مالی و ظاهری تقلیل داده‌اند؛ «پسری که چاق است کنسله، دختری که باباش پولدار نیست کنسله»؛ این‌ها معیارهای الکی و پوچ است.وی تأکید می‌کند: « من آمده‌ام در این دنیا که همسر خوبی باشم، پدر خوبی باشم، فرزند خوبی باشم. اما ذائقه مردم این شده که همه طلبکارند؛ «تا زن خوب گیرم بیاد، شوهر خوب گیرم بیاد، بچه خوب گیرم بیاد، پدر و مادرم باید خوب باشند... » در حالی که در زندگی، عرصه گذشتهاست. هر کسی باید ببیند خودش چه توانی می‌تواند برای زندگی بگذارد. اما متأسفانه معیارهای ما فقط سراغ بقیه رفته است. اما من خودم چه در چنته دارم؟ بنابراین متأسفانه تغییر ذائقه خیلی وحشتناک است، مخصوصاً برای نسل امروز که فقط دنبال زندگی کردن است، نه زندگی ساختن. »

شکستن فضای فانتزی

فضای مجازی، سلبریتی‌ها و بلاگرهای ما یک ذائقه عجیب و غریب در جامعه ایجاد کرده و یک سری معیارهای فانتزی به لحاظ ظاهر، مالی و مسائل دیگر را بین پسران و دختران جوان تسری داده‌اند اما جوانانی که با چنین معیارهایی ازدواج می‌کنند وقتی وارد زندگی واقعی می‌شوند تازه می‌فهمند ازدواج و زندگی مشترک فقط ظاهر طرف مقابل و ثروت او نیست!

عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **امیررضا شفایی** گرافیست و صفحه‌آرا | **آراد عبداللهی**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



آیین‌نامه جدید مدارس

طبق آیین‌نامه جدید مدارس امکان نصب دوربین مدار بسته در کلاس درس وجود دارد.

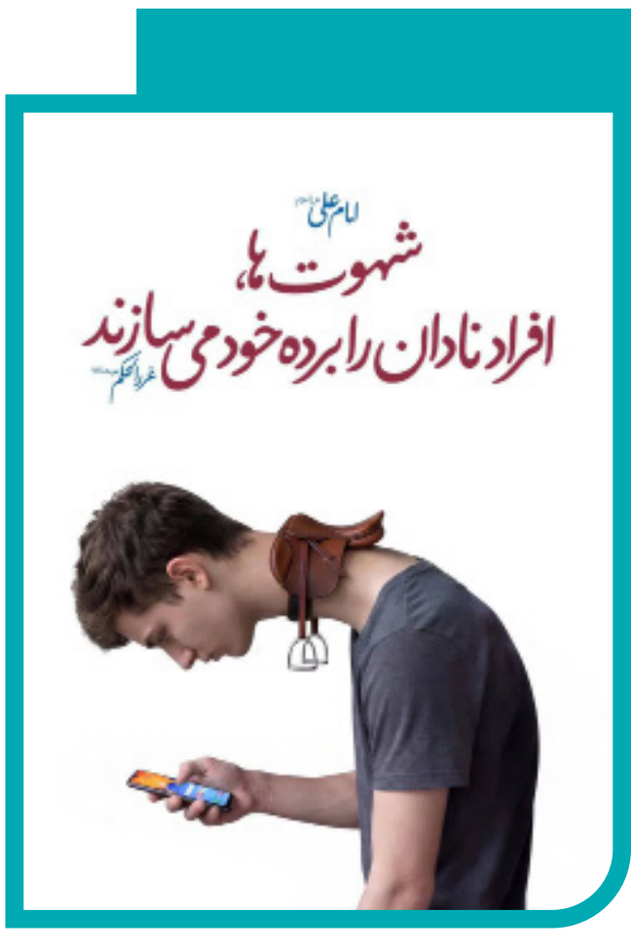
۷

اهدای ۱۰۰ قفسه کتاب

کانون پرورش فکری کودکان در هفته کتاب، ۱۰۰ قفسه کتاب به مدارس کم‌برخوردار هرمزگان، از جمله میناب اهدا می‌کند.

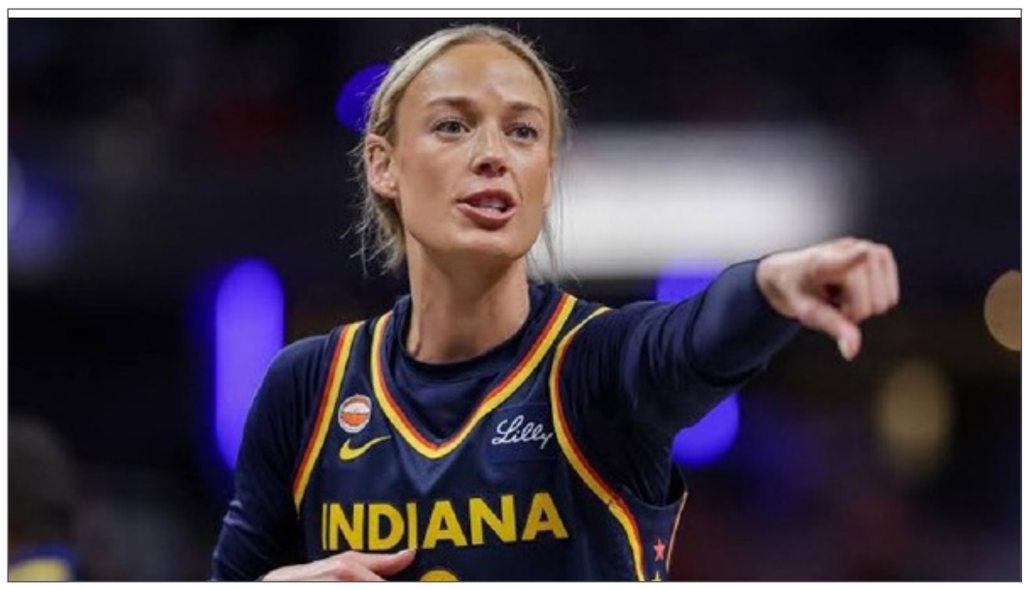
۶





اختلاف باور نکردنی دستمزد زنان و مردان در بسکتبال آمریکا

سوفی کانینگهام، گارد تیم ایندیانا فیور در لیگ بسکتبال زنان آمریکا ، پس از مقایسه عملکردش با لوکا دانچیچ، ستاره تیم بسکتبال لس‌آنجلس لیکرز، با اشاره به اختلاف چشمگیر دستمزد دو بازیکن، واکنشی جالب نشان داد.
ماجرا از آنجا آغاز شد که درو هانلن، مربی مطرح مهارت‌های بسکتبال و همکار کانینگهام در پادکست ، آمار دانچیچ در ۹ بازی نخست فصل را با عملکرد این بازیکن در ۴۳ مسابقه، مقایسه کرد. دانچیچ در این مدت ۲۲۱ شوت و ۱۰۲ پرتاب آزاد داشت، در حالی که کانینگام در ۴۳ بازی ۲۲۶ شوت و ۷۴ پرتاب آزاد (با ۶۳ پرتاب موفق) به ثبت رسانده بود.کانینگهام در پاسخ به این مقایسه گفت: فکر می‌کنم یک نکته مهم را فراموش کرده‌ای؛ او سالی ۵۰ میلیون دلار درآمد دارد، اما من از قرارداد خودم ۷۰۰ هزار دلار می‌گیرم. بهتر است من را با کوئنتین گریمز مقایسه کنی. هر دو حدود ۸ تا ۱۰ امتیاز در هر بازی کسب می‌کنیم؛ البته درصد شوت‌های سه‌امتیازی من از هر دوی آنها بهتر است. اگر قرار است مقایسه کنیم، بیایید درست این کار را انجام دهیم.
این صحبت‌ها در حالی مطرح شد که کانینگام در آوریل ۲۰۲۶ قرارداد یک‌ساله‌ای به ارزش ۶۶۵ هزار دلار با ایندیانا فیور امضا کرد؛ رقمی که با اجرای توافق جمعی جدید افزایش قابل توجهی نسبت به دستمزد ۱۰۰ هزار دلاری او در سال ۲۰۲۵ داشت.
در سوی مقابل، دانچیچ در دوم اوت ۲۰۲۵ قرارداد سه‌ساله‌ای به ارزش حداکثر ۱۶۵ میلیون دلار با لیکرز به امضا رساند. دستمزد او در فصل ۲۰۲۶-۲۰۲۷ حدود ۴۹٫۵ میلیون دلار خواهد بود.دانچیچ در آغاز فصل جاری عملکرد درخشانی داشته و با میانگین ۴۰٫۱ امتیاز در ۹ بازی نخست، در کنار ویلت چمبرلین به تنها بازیکنان تاریخ لیگ تبدیل شده که فصل را با چنین میانگینی در این تعداد مسابقه آغاز کرده‌اند.





پرسپولیس باید محمودی را بفروشد

امیرحسین اصلانیان ، در خصوص اقدام باشگاه پرسپولیس برای فروش امیرحسین محمودی و درج آگهی در این زمینه اظهار داشت: فکر می‌کنم باشگاه قصد داشته از محمودی زهرچشم بگیرد. او محصول آکادمی باشگاه پرسپولیس است و باید به قوانین احترام بگذارد، اما انگار بعد از بازی با فجر سپاسی، بر اساس خواسته مدیر برنامه یا برخی اطرافیانش آن مصاحبه را انجام داد. وقتی تیم شکست خورده بود، دلیلی نداشت محمودی این‌گونه تیم را به حاشیه ببرد

وی در ادامه صحبت‌هایش عنوان کرد: شاید حرمت‌ها بین باشگاه پرسپولیس و محمودی از خط قرمز خود عبور کرد که کار به اینجا رسید و این اتفاقات اصلاً نباید رخ می‌داد. من فکر می‌کنم امیر قلعه‌نویی هم به اندازه خودش مقصر است؛ چراکه سرمربی تیم ملی باید بازیکنانی را دعوت کند که در باشگاه خود عملکرد مثبتی داشته‌اند و توانایی‌هایشان را به نمایش گذاشته‌اند.



بازیکن اصلی و ذخیره در تیم ما وجود ندارد

غلامرضا مومنی مقدم در مورد پیروزی ۳ بر صفر تیمش مقابل رازین پلیمر در هفته چهارم لیگ برتر والیبال اظهار داشت: ما می‌دانستیم رازین پلیمر تیم خوبی است و دفاع‌های قدبلندی دارد. تمرین‌های هفته گذشته ما کاملا بر مبنای آنالیز تیم حریف بود. سرمربی تیم والیبال مهرگان ادامه داد: ما گروه خوبی شامل کادر فنی و بازیکنان هماهنگ و تاکتیک‌پذیر داریم. مدیریت و سرپرست تیم نیز این مجموعه را تکمیل می‌کند. این پیروزی ۳ بر صفر مزد زحمات ما بود. تمام امکانات لازم و حرفه‌ای برای ما در شهر نور مهیاست. تمرین‌های خوبی را پشت گذاشتیم و از این جهت از برخی تیم‌ها جلوتر هستیم پس توقع داریم مقابل این تیم‌ها برنده شویم.
مومنی تصریح کرد: لیگ قطعاً نوساناتی خواهد داشت و تیم‌ها نیز درگیر این فراز و نشیب‌ها خواهند شد. ما تلاش می‌کنیم بهترین نتیجه ممکن را کسب کنیم.

می‌توانستیم نایب قهرمان جهان شویم



داریوش خسرویار در گفت‌وگو با خبرنگار ورزشی خبرگزاری تسنیم، درباره عملکرد ملی‌پوشان کشورمان در مسابقات کوراش قهرمانی جهان و کسب عنوان چهارمی این رقابت‌ها اظهار داشت: با توجه به مشکلاتی که برای اعزام داشتیم و حضورمان در مسابقات نیز در هاله‌ای از ابهام قرار داشت، عملکرد بچه‌ها خیلی خوب بود. ملی‌پوشان ما در شرایطی در این مسابقات حاضر شدند که استرس زیادی را تحمل کرده بودند و به دلیل سفر طولانی، خسته به محل برگزاری رقابت‌ها رسیدند.وی تصریح کرد: با وجود این شرایط، از 16 فرصت کسب مدال موفق به کسب 13 مدال شامل یک طلا، سه نقره و 9 برنز شدیم. در بخش مردان تنها یک ملی‌پوش و در بخش بانوان نیز دو ورزشکار موفق به کسب مدال نشدند. بچه‌ها در این مسابقات خیلی خوب بودند، اما بار دیگر مشخص شد که رقبای ما در حال سرمایه‌گذاری هستند. قطعاً قزاقستان یکی از رقبای جدی ما در آینده خواهد بود. با این حال، اگر دچار بدشانسی نمی‌شدیم و تنها یکی از مدال‌های نقره ما به طلا تبدیل می‌شد، در جایگاه دوم جهان قرار می‌گرفتیم. ما در شرایطی چهارم جهان شدیم که در آخرین حضورمان در مسابقات جهانی، در سال 2023 ، جایگاه ششم را کسب کرده بودیم.سرپرست انجمن کوراش در پاسخ به این سؤال که از دست رفتن سکوی تیمی نگران‌کننده نیست، گفت: قطعاً این موضوع زنگ خطر است، اما باید نکته دیگری را نیز در نظر داشته باشیم. هدف اصلی ما بازی‌های آسیایی ناگویا بود و طی چند ماه گذشته، اردوهای ما با تمرکز بر دو وزن اعزامی به این مسابقات برگزار شد. با توجه به محدودیت منابع، بر اساس بضاعت موجود هدف‌گذاری کرده بودیم. از طرفی، قرار بود خردادماه در مسابقات قهرمانی آسیا شرکت کنیم که به دلیل شرایط جنگی کشور، این اتفاق امکان‌پذیر نشد.
خسرویار تأکید کرد: طی پنج ماه گذشته، 90 درصد ترکیب تیم ما برای حضور در مسابقات جهانی تغییر کرد و بیشتر نفرات نیز بسیار جوان بودند. این ورزشکاران در واقع بدنه تیم ما را برای بازی‌های آسیایی دوره آینده در قطر تشکیل خواهند داد. اگر سرمایه‌گذاری نکنیم و با همین روال پیش برویم، قطعاً کشورهای دیگر از ما پیشی خواهند گرفت. ترکمنستان و قزاقستان در این مسابقات نشان دادند که با جدیت در حال پیشرفت هستند. ضمن اینکه برگزاری مسابقات در قطر باعث خواهد شد کشورهای عربی نیز سرمایه‌گذاری زیادی انجام دهند و بازیکنان و مربیان تراز اولی را به خدمت بگیرند.

وی در مورد هزینه‌های اعزام عنوان کرد: برآورد اولیه ما برای حضور در این مسابقات هفت میلیارد تومان بود، اما با توجه به لغو پروازها، هزینه این اعزام به حدود 9 میلیارد تومان رسید. ما به‌صورت اعتباری در این مسابقات شرکت کردیم و باید بدهی‌های خود را پرداخت کنیم. تفاهم‌نامه ما با وزارت ورزش و جوانان 20 میلیارد تومان بود که بیش از 19 میلیارد تومان آن را دریافت کردیم. بودجه ما به‌عنوان یک انجمن موفق که در ناگویا بالاترین عملکرد مدالی را داشت، با بودجه برخی رشته‌های دیگر قابل مقایسه نیست.
رئیس انجمن کوراش در مورد شکست‌های متعدد ورزشکاران کشورمان مقابل نمایندگان ازبکستان و قزاقستان گفت: در وزن سنگین، مسعود قوی‌بازو با شکست حریف ازبکستانی به مدال طلا رسید و این‌طور نیست که بچه‌های ما مقابل این حریفان از پیش بازنده باشند. در بخش بانوان نیز سه ملی‌پوش ما در فینال مغلوب نمایندگان ازبکستان شدند که این موضوع به شناخت سرمربی ازبکستان از بچه‌های ما بازمی‌گشت. این مربی سال گذشته هدایت تیم ما را بر عهده داشت و شناخت و آنالیز خوبی از عملکرد ملی‌پوشان ما داشت. ما در بخش بانوان طی سال گذشته شرایط لازم برای حضور در مسابقات و برگزاری اردوهای مشترک را نداشتیم، اما با این وجود، بچه‌های ما عملکرد خیلی خوبی داشتند.